

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

احکام نوجوانان

مطابق بافتاوا سی

حضرت آئیة اللہ العظمیٰ صافی کلیا کانی رحمۃ اللہ علیہ

سرشناسه	: صافی گلپایگانی، لطف‌الله
عنوان و نام پدیدآور	: احکام نوجوانان / مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی؛ گردآورنده:
مشخصات نشر	: احمد کریمی، حسین کریمی
مشخصات ظاهری	: قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی، ۱۳۹۳
شابک	: ۱ - ۱۰ - ۵۱۰۵ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - ۳۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فقه جعفری - رساله.
موضوع	: فتاوی‌های فقهی شیعه - قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌العالی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۱۳ الف ۲ ص / ۹ / ۱۸۳ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۳۴۲۲

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

- | | |
|---|-------------------------|
| ■ احکام نوجوانان | ● نام کتاب: |
| ■ حضرت آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف | ● مؤلف: |
| ■ احمد کریمی و حسین کریمی | ● تدوین: |
| ■ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ / زمستان ۱۳۹۶ | ● ویراست دوم - چاپ سوم: |
| ■ ۵۰۰۰ | ● شمارگان: |
| ■ ۷۰۰۰ تومان | ● بها: |
| ■ ۱۰-۱-۵۱۰۵-۶۰۰-۹۷۸ | ● شابک: |
| ■ www.saafi.net | ● سایت الکترونیک: |
| ■ saafi@saafi.net | ● پست الکترونیک: |
| ■ قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱ | ● آدرس پستی: |
| ■ ۰۲۵) ۳۷۷۲۳۳۸۰ | ● تلفن: |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
این رساله احکام نوجوانان را بعضی
موثقین با فتاویٰ حقیر تطبیق نموده‌اند.
امید است عامل به آن مأجور باشد.

سلفی صرف



سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

برتری عالم بر عابد، همچون درخشندگی خیره‌کننده ماه، در شب چهاردهم، نسبت به ستارگان است.

حضرت امام صادق علیه السلام با بیان تشبیه زیبای فوق، اهمیت عالمان دین را از منظر اسلام یادآور می‌شوند؛ آری، عالم دین، نه آنکه فقط خود نور دارد، بلکه نور را به ره‌پویان وادی حقیقت نیز ارزانی می‌بخشد.

وظیفه فقیه، استخراج حکم الهی، از لابه‌لای متون اصیل اسلامی است و این مهم، در طول قرون پس از غیبت امام عصر علیه السلام، با تلاش و از خودگذشتگی فقهای عظیم‌الشان، به خوبی حاصل شده است.

امروز، حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی، متفکر و اسلام‌شناس و افتخار تشیع، از بزرگان مراجعی است که سینه‌اش رازدار علوم آل محمد علیهم السلام گردیده، و سرمایه سترگ علمی او، جام تشنگان معرفت‌الله را لبریز می‌کند.

احکام نوجوانان / ۶۱

مرکز تنظیم و نشر آثار معظم‌له، افتخار دارد که با نشر رساله احکام نوجوانان این فقیه فرزانه، گامی دیگر در جهت ارج نهادن به ارزش‌های والای اسلامی برداشته و به باروری هرچه بیشتر فرهنگی - عقیدتی نونهالان باغ اسلام کمک می‌نماید.

فهرست مطالب

نگرشی بر زندگانی حضرت آیت‌الله العظمی صافی	
گلپایگانی مدظله‌العالی	۱۷.....
والدین	۱۷.....
تحصیلات	۱۸.....
ویژگی‌های آیت‌الله العظمی صافی	۲۰.....
مقدمه	۲۵.....
اجتهاد و تقلید	۲۷.....
فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب	۲۹.....
چگونه انسان بالغ می‌شود؟	۳۰.....
طهارت	۳۱.....
احکام مردار	۳۲.....
احکام خون	۳۳.....
چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟	۳۴.....
مطهرات (پاک‌کننده‌ها)	۳۵.....
احکام آب‌ها	۳۵.....

- ۳۶..... احکام آب مضاف:
- ۳۶..... اقسام آب مطلق
- ۳۷..... آب قلیل.....
- ۳۷..... آب‌های کر، جاری و چاه.....
- ۳۸..... چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟
- ۳۹..... زمین.....
- ۴۰..... آفتاب.....
- ۴۱..... اسلام.....
- ۴۱..... بر طرف شدن عین نجاست
- ۴۳..... وضو.....**
- ۴۳..... چگونه وضو بگیریم؟
- ۴۴..... توضیح اعمال وضو.....
- ۴۴..... شستن
- ۴۴..... مسح
- ۴۶..... شرایط وضو.....
- ۴۷..... توضیح شرایط وضو.....
- ۵۰..... وضوی جبیره‌ای.....
- ۵۳..... چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت.....
- ۵۴..... چگونه وضو باطل می‌شود؟
- ۵۵..... غسل.....**
- ۵۵..... شیوه غسل کردن.....

- ۵۶..... شرایط صحیح بودن غسل.....
- ۵۷..... غسل های واجب.....
- ۵۷..... غسل جنابت.....
- ۵۸..... کارهایی که بر جنب حرام است.....
- ۵۹..... غسل میّت.....
- ۵۹..... غسل مَسّ میت.....
- ۵۹..... غسل های اختصاصی خانم ها.....
- ۶۰..... غسل حیض (قاعدگی).....
- ۶۱..... غسل استحاضه.....
- ۶۲..... غسل نفاس.....
- ۶۳..... تیمّم.....**
- ۶۴..... دستور تیمّم.....
- ۶۵..... چیزهایی که تیمّم بر آنها صحیح است.....
- ۶۵..... احکام تیمّم.....
- ۶۶..... نماز.....**
- ۶۷..... اقسام نماز.....
- ۶۷..... وقت نمازهای روزانه.....
- ۶۸..... وقت نماز صبح.....
- ۶۸..... ظهر شرعی و وقت نماز ظهر.....
- ۶۹..... مغرب چه هنگامی است؟.....
- ۶۹..... محاسبه نیمه شب.....

احکام نوجوانان / ۱۰

- ۶۹..... احکام اوقات نماز
- ۷۰..... قبله
- ۷۱..... پوشانیدن بدن در نماز
- ۷۳..... مکان نمازگزار
- ۷۴..... احکام مکان نمازگزار
- ۷۴..... احکام مسجد
- ۷۶..... آمادگی برای نماز
- ۷۶..... اذان و اقامه
- ۷۶..... اذان
- ۷۷..... اقامه
- ۷۸..... احکام اذان و اقامه
- ۷۹..... اعمال نماز
- ۷۹..... واجبات نماز
- ۷۹..... رکن
- ۷۹..... غیر رکن
- ۸۰..... فرق بین رکن و غیر رکن
- ۸۰..... احکام واجبات نماز
- ۸۰..... نیت
- ۸۱..... تکبیرة الاحرام
- ۸۱..... قیام
- ۸۲..... قرائت

۱۱ / فهرست مطالب

- ۸۲ سوره حمد
- ۸۳ سوره توحید
- ۸۳ تسبیحات اربعه
- ۸۳ احکام قرائت
- ۸۴ رکوع
- ۸۵ سجود
- ۸۷ وظیفه کسی که نمی‌تواند به‌طور معمول، سجده کند
- ۸۷ سجده واجب قرآن
- ۸۸ تشهد
- ۸۹ سلام
- ۸۹ ترتیب
- ۸۹ موالات
- ۹۰ قنوت
- ۹۰ تعقیب نماز
- ۹۱ مبطلات نماز
- ۹۲ احکام مبطلات نماز
- ۹۲ سخن‌گفتن
- ۹۲ خندیدن
- ۹۲ روی از قبله برگرداندن
- ۹۳ خوردن و آشامیدن
- ۹۳ برهم خوردن صورت نماز

- ۹۴..... ترجمه اذان و اقامه
- ۹۵..... ترجمه نماز
- ۹۵..... تکبیرة الاحرام
- ۹۵..... حمد
- ۹۶..... سوره
- ۹۷..... ذکر رکوع
- ۹۷..... ذکر سجود
- ۹۷..... تسبیحات اربعه
- ۹۸..... تشهد
- ۹۸..... سلام
- ۹۹..... شکّیات نماز
- ۹۹..... شکّ در اجزای نماز
- ۱۰۰..... شکّهایی که نماز را باطل می کند
- ۱۰۱..... حکم شک در نماز چهار رکعتی
- ۱۰۲..... شکّهایی که نباید به آنها اعتنا کرد
- ۱۰۳..... نماز احتیاط
- ۱۰۴..... سجده سهو
- ۱۰۵..... نماز مسافر
- ۱۰۷..... وطن کجاست؟
- ۱۰۹..... قصد ده روز
- ۱۱۰..... نماز قضا

- ۱۱۱ نماز قضای پدر و مادر
- ۱۱۲ نماز جماعت
- ۱۱۲ اهمیت نماز جماعت
- ۱۱۳ شرایط نماز جماعت
- ۱۱۴ پیوستن به نماز جماعت (اقتدا کردن)
- ۱۱۴ حالات مختلف برای پیوستن به نماز جماعت:
- ۱۱۴ رکعت اوّل
- ۱۱۵ رکعت دوّم
- ۱۱۵ رکعت سوّم
- ۱۱۶ رکعت چهارم
- ۱۱۶ احکام نماز جماعت
- ۱۱۷ نماز جمعه
- ۱۱۸ چگونگی نماز جمعه
- ۱۱۸ شرایط نماز جمعه
- ۱۱۹ وظیفه نماز گزاران جمعه
- ۱۱۹ نماز آیات
- ۱۲۰ چگونگی نماز آیات
- ۱۲۰ رکعت اوّل
- ۱۲۰ رکعت دوّم
- ۱۲۱ احکام نماز آیات
- ۱۲۱ نمازهای مستحب

- ۱۲۲..... نماز عید
- ۱۲۲..... وقت نماز عید
- ۱۲۲..... چگونگی نماز عید
- ۱۲۳..... نافله‌های شبانه‌روزی
- ۱۲۴..... نماز شب
- ۱۲۴..... وقت نماز شب
- ۱۲۴..... نماز غفیله
- ۱۲۴..... کیفیت نماز غفیله
- ۱۲۶..... روزه**
- ۱۲۶..... نیت روزه
- ۱۲۷..... مبطلات روزه
- ۱۲۷..... احکام مبطلات روزه
- ۱۲۷..... خوردن و آشامیدن
- ۱۲۸..... تزریق آمپول
- ۱۲۸..... رساندن غبار غلیظ به حلق
- ۱۲۸..... فروبردن تمام سر در آب
- ۱۲۹..... قی کردن
- ۱۲۹..... قضا و کفاره روزه
- ۱۲۹..... روزه قضا
- ۱۲۹..... کفّاره روزه
- ۱۳۰..... احکام قضا و کفاره روزه

روزه مسافر.....	۱۳۱
زکات فطره.....	۱۳۲
مقدار زکات فطره.....	۱۳۲
جنس زکات فطره.....	۱۳۲
خمس	۱۳۳
احکام خمس.....	۱۳۴
مصرف خمس.....	۱۳۵
زکات	۱۳۶
احکام زکات.....	۱۳۸
مصرف زکات.....	۱۳۸
حج	۱۴۰
احکام معاملات	۱۴۲
به هم زدن معامله.....	۱۴۳
قرض	۱۴۵
اقسام قرض.....	۱۴۵
احکام قرض.....	۱۴۵
امانت داری	۱۴۷
احکام امانت داری.....	۱۴۷
عاریه	۱۴۹
اشیای پیدا شده	۱۵۰
عوض شدن کفش.....	۱۵۱
غصب	۱۵۲

- ۱۵۳ خوردن و آشامیدن
- ۱۵۴ آداب غذا خوردن
- ۱۵۵ آداب آب نوشیدن
- ۱۵۶ احکام سر بریدن حیوان
- ۱۵۶ شرایط سر بریدن حیوان
- ۱۵۷ شکار با اسلحه
- ۱۵۷ صید ماهی
- ۱۵۹ نگاه کردن
- ۱۵۹ محرم و نامحرم
- ۱۶۱ نگاه به دیگران
- ۱۶۳ ازدواج
- ۱۶۴ احکام سلام کردن
- ۱۶۴ آداب سلام کردن
- ۱۶۶ احکام قرآن
- ۱۶۶ لمس کردن خطوط قرآن
- ۱۶۸ قَسَم خوردن
- ۱۶۹ مسائل گوناگون
- ۱۷۳ پرسش و پاسخ کوتاه
- ۱۸۲ نمایه واژه‌ها
- آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الوارف در
- ۱۸۵ یک نگاه

نگرشی بر زندگانی حضرت آیت‌الله العظمی

صافی گلپایگانی مدظله‌العالی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی مدظله‌العالی، فقیه، اسلام‌شناس و اندیشمند بزرگ معاصر، در شهر گلپایگان، قدم به صحنه هستی نهاد.

والدین

پدر او عالم عارف، مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی (متولد ۱۲۸۷ ق) بود که علاوه بر تخصص، تحقیق، تألیف و تدریس در گرایش‌های مختلف علوم اسلامی مانند فقه، اصول، کلام، اخلاق، حدیث و... در زمینه هنرهای ارزشمندی چون شعر و خوشنویسی نیز سرآمد بود. زهد، تقوا، عشق به ولایت و فضیلت‌های علمی اخلاقی آن بزرگ‌مرد، از یک سو و مواضع قدرتمندانه او در سنگر امر به معروف و نهی از

منکر و جبهه‌گیری‌های صریحش در برابر افکار انحرافی، غیرمتدینان، ظالمان و جابران آن روزگار از سویی دیگر، هر قدر که مردم گلپایگان را شیفته و مطیع محض او می‌نمود، هیئت حاکمه، خوانین و زورگویان را در برابرش شکننده‌تر می‌کرد؛ چنان‌که آنها همیشه او را سدّ راه اعمال خلاف شرع و بدعت‌گذاری‌های خود دیده و تا زنده بود از غیرت دینی و خشم الهی او می‌ترسیدند.

آفتاب عمر آن عالم جلیل‌القدر در افق عصر بیست و پنجم رجب سال ۱۳۷۸ هجری قمری، مصادف با شب شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام غروب کرد. مادر او بانوی فاضله، شاعره و عاشق اهل بیت علیهم‌السلام فاطمه خانم، دختر حضرت آیت‌الله آخوند ملا محمدعلی بود.

از ویژگی‌های بزرگ معنوی، اخلاقی، که در وجود آن مرحومه، متبلور بود، می‌توان به تعبّد، اخلاص، تقوا، معرفت به حضرت حق، شجاعت، صراحت لهجه، شوهرداری کم‌نظیر، اهتمام در تربیت کودکان، راز و نیاز خاشعانه، ذکر، دعا و نماز شب اشاره کرد.

تحصیلات

آیت‌الله العظمی صافی، در نوجوانی قدم به وادی علم و معنویت - حوزه - نهاد و میهمان صفای حلقه‌های صمیمی

۱۹ / کمرشی بر زندگانی حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله

درس و بحث و محرم شور و صف ناپذیر مناجات نیمه شب پاک باختگان حوزه شد. ابتدا در گلپایگان، کتب پایه ادبیات عرب را نزد عالم جلیل القدر، مرحوم آخوند ملا ابوالقاسم مشهور به «قطب» آغاز کرد و ادامه مباحث ادبیات، کلام، تفسیر، حدیث، فقه و اصول را تا پایان سطح در همان جا پی گرفت و در این مدت حجم وسیع کتب مهم رشته‌های مذکور را نزد پدر بزرگوارش، حضرت آیت الله آخوند ملا محمدجواد صافی آموخت. در سال ۱۳۶۰ هجری قمری، گلپایگان را با دنیایی از خاطره‌های شیرین دوران کودکی و نوجوانی و لذت حضور در کنار پدر و مادری مهربان و دلسوز، که اکنون از حسرت فراق او پریشان بودند، ترک کرد و رنج مشکلات هجرت به قم را پذیرا شد، تا با حضور در مجلس درس و بحث اساتید بزرگ حوزه علمیه قم به تکمیل تحصیلات و تحقیقات خود بپردازد.

ایشان چند سال بعد به نجف اشرف مشرف شد و در آن جا نیز از محضر مراجع عالیقدر آن حوزه، برای یک سال بهره‌مند گشت.

هوش و استعداد فوق‌العاده و تلاش و جدیت در امر تحصیل او را مورد علاقه خاص اساتید بزرگ قم و نجف قرار داد. حضرت آیت الله العظمی صافی پس از آن مجدداً به قم بازگشتند و بیش از پانزده سال حلقه‌نشین مجلس

درس و بحث و اخلاق و عرفان مرجع پرافتخار شیعه، حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره و نیز یکی از مشاورین ویژه و برجسته و از اصحاب خاص استفتاء آن بزرگوار گشت و آن مرحوم، نظر به توانایی والای علمی آیت‌الله العظمی صافی، پاسخگویی به سؤالات مهم و حساسی از فقه و کلام شیعی و نیز نگارش کتاب ارزشمندی درباره مهدویت را که «منتخب الاثر» نام گرفت، به ایشان واگذار کردند.

از اساتید مهم آن بزرگوار در قم، مراجع تقلید، آیات عظام: سید محمدتقی خوانساری، حجّت، صدر، بروجردی و در نجف، آیات عظام: شیخ محمدکاظم شیرازی، سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ محمدعلی کاظمی را می‌توان نام برد.

ویژگی‌های آیت‌الله العظمی صافی

زهد، تقوی، اخلاص، قناعت، توکل، سعه صدر، صراحت لهجه و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های مهم روحی - اخلاقی این فقیه وارسته است. وجودش، دریای بی‌کرانه عشق به انوار مقدّس ائمه معصومین علیهم السلام است و هر پگاه بعد از نماز، در دعای عهد، می‌توان ترنّم تمنّای دل‌شیدایی‌اش را در نغمه

۲۱ / کلمه‌ی بزرگانی حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی ر. ع. ا. م.

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ» شنید و او را عصرهای جمعه، میان خیل عاشقان مهدی عَلَيْهِ السَّلَام میهمان لحظه‌های پر معنویت مسجد جمکران، دید.

تدریس، تحقیق و تسلط در زمینه علوم متنوع اسلامی همچون فقه، اصول، کلام، حدیث، رجال و...، تألیف حدود هشتاد اثر ارزشمند و محققانه به زبان‌های فارسی و عربی که بعضی از آنها به چند زبان دیگر نیز ترجمه شده، از ویژگی‌های علمی ایشان است.

برخورداری از چنین موقعیت‌های والای علمی، ایشان را در حوزه علمیه قم، در ردیف ممتازین قرار داد و بزرگانی چون آیات عظام: سید جمال‌الدین گلپایگانی، بروجردی، امام خمینی و سید محمدرضا گلپایگانی و بعضی دیگر، مقام بلند علمی - معنوی او را ارج نهادند؛ و آیت‌الله العظمی سید جمال‌الدین گلپایگانی ع در حدود ۴۵ سال پیش، اجتهاد متین و اوج مقام فقهی آیت‌الله العظمی صافی را طی مکتوبی مهم، اعلام کرد.

ایشان، سال‌ها از طرف مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی قده و پس از ارتحال آن بزرگوار، از معدود کسانی بود که مسئولیت امتحان فضیلتی حوزه در سطح عالی و درس خارج را داشته و شماری از مجتهدان کنونی و مدرسین حوزه علمیه قم، نزد معظم‌له امتحان داده‌اند.

این فقیه گرانقدر، علاوه بر موارد مذکور، مطالعات گسترده‌ای در زمینه ادبیات و تاریخ اسلام و ایران داشته و ضمن آشنایی با قالب‌های گوناگون شعری، در سرودن شعر نیز مهارت کامل دارند.

این مرجع فرزانه، حتی اکنون نیز با تمامی مشغله‌های موجود، اخبار و مسائل دنیا و بالخصوص جهان اسلام را هر روز با دقت تمام از طریق رسانه‌های گروهی دنبال کرده و بنا به اطلاعات وسیع تاریخی - سیاسی، از قدرت تحلیل بالایی در زمینه رویدادهای منطقه‌ای، جهانی و دنیای اسلام برخوردار است و مصداق واقعی «عالم به زمان» می‌باشد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور در صحنه‌های مختلف مبارزه با رژیم ستم‌شاهی باعث حساسیت ساواک، نسبت به این فقیه آگاه گشت و بالأخره به توقیف یکی از کتب ایشان که حاوی مطالبی در نقد فساد رژیم شاه بود، منجر شد. در همین حال نشر بعضی کتب مهم حضرت آیت‌الله العظمی صافی که در دفاع از تشیع نگاشته بود نیز، در بعضی از کشورهای عربی ممنوع شد و بدین صورت دولتمردان این کشورها همسو با برخی مزدوران قلم به دست استعمار، نتوانستند خشم خود را از نوشته‌های آگاهی‌بخش و بیدارکننده‌اش، پنهان نمایند.

۲۳ / کمرشی بر زندگانی حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایشان در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، به عنوان عضو مجلس خبرگان اول، انتخاب و در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی، از سوی حضرت امام خمینی قدس سره به عضویت شورای نگهبان منصوب شد و هشت سال به عنوان دبیر شورای نگهبان، منشأ خدمات ارزنده‌ای به نظام مقدس و مردم عزیز گشت، و در پاسداری از حریم اسلام و قرآن، لحظه‌ای تردید به خود راه نداد.

حضرت آیت الله العظمی صافی، که حداقل از دو دهه قبل، با وجود داشتن تمامی شرایط مرجعیت، کریمانه از آن گذشته بود، با ارتحال حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی قدس سره در آذرماه ۱۳۷۲ هجری شمسی، بنا به تقاضاهای مکرر و اصرار پی‌درپی علما و مردم، بالأخره تصدی مرجعیت را پذیرفت و اکنون به عنوان یکی از مراجع عمده، و ارکان اصلی حوزه علمیه قم، به شمار می‌رود.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

دستورهای عملی اسلام، که وظیفه انسان‌ها را، نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آنها دوری جویند مشخص می‌کند، «احکام» نام دارد.

هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، که این احکام را، «احکام تکلیفیّه» می‌نامند. **واجب:** کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن عذاب دارد؛ مانند نماز و روزه.

حرام: کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ و ظلم.

مستحب: به کاری گویند که انجامش نیکو است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.

مکروه: کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند خوابیدن در مسجد و مدح فروشنده از کالایی که می‌فروشد.

مباح: به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.

اجتهاد و تقلید

انسان می‌تواند از روی «اجتهاد» یا «تقلید»، به احکام دین عمل کند.

«اجتهاد» سعی و تلاش فراوان است، در راه استخراج احکام دین از منابع آن، که مهم‌ترین آنها قرآن و احادیث معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، پس از آموختن علومی که انسان را کمک می‌کند تا بتواند احکام را از منابع آن استخراج کند. به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد، «مجتهد» می‌گویند.

«تقلید»، به معنای پیروی و دنباله‌روی است و در اینجا به معنای پیروی از «مجتهد» می‌باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد.

مسئله ۱. به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند، «مرجع تقلید» و به کسی که از مجتهد تقلید می‌کند، «مقلد» می‌گویند.

مسئله ۲. کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن به دست آورد و نیز

نمی‌تواند عمل به احتیاط نماید، باید از مجتهد تقلید کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق فتوای او انجام دهد.

مسئله ۳. وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند.

مسئله ۴. مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید:

- حلال‌زاده باشد.

- عادل باشد.

- زنده باشد.

- مرد باشد.

- بالغ باشد.

- شیعه دوازده امامی باشد.

- و بنا بر احتیاط واجب، اَعْلَم باشد.

مسئله ۵. کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود، و مجتهد زنده اعلم از او نباشد، می‌تواند بر تقلید وی باقی بماند، به شرط آنکه به فتوای مجتهد در آن مسئله عمل کرده باشد و یا آن مسئله را برای عمل کردن یاد گرفته باشد و احتیاط واجب آن است که اگر مجتهد میت، اعلم از مجتهد زنده باشد، بر تقلید وی باقی بماند.

مسئله ۶. اعلم کسی است که در استخراج احکام، از منابع آن، از مجتهدان دیگر، استادتر باشد.

مسئله ۷. مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

- خود انسان یقین کند؛ مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

- گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

- عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسئله ۸. راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد:

- شنیدن از خود مجتهد.

- شنیدن از دو نفر عادل.

- شنیدن از یک نفر مورد اعتماد، که از گفته او اطمینان پیدا می‌شود.

- دیدن در رساله مجتهد، که درستی آن مورد اطمینان باشد.

مسئله ۹. اگر فتوای مجتهد در مسئله‌ای عوض شود، مقلد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای گذشته، جایز نیست.

مسئله ۱۰. مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسئله ۱۱. «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتوا است، و مقلد می‌تواند به فتوا، یا به احتیاط، به دلخواه خود، عمل نماید. مانند این مسئله:

«ظرف نجس را اگر یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، گرچه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند».

«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلد باید به همان احتیاط عمل کند و به فتوای مجتهد دیگر نیز می‌توان مراجعه نمود، مانند این مسأله:

«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد سجده نکنند».

چگونه انسان بالغ می‌شود؟

نشانه‌های بلوغ سه تا است:

- ۱- بیرون آمدن منی^۱ از انسان.
 - ۲- رویدن موی خشن، بر عانه.^۲
 - ۳- کامل شدن پانزده سال قمری برای پسران و نه سال قمری برای دختران.
- برای تحقق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد، بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها، بلوغ حاصل می‌شود. پس، اگر جوانی از خود منی ببیند، هر چند به سن بلوغ نرسیده باشد، بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل کند.

۱. منی: مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام، از مجرای بول خارج می‌شود.

۲. بالای عورت و پایین شکم.

طهارت

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز»، که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

مسأله ۱۲. در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر خوردن با اینها نجس شود.

مسأله ۱۳. چیزهای نجس عبارت است از:

۱. ادرار (بول)

۲. مدفوع (غائط)

۳. منی

۴. مردار

۵. خون

۶ و ۷. سگ و خوک

۸. شراب

۹. آب جو (فقاع)

۱۰. کافر

۱۱. عرق حیوان نجاست خوار

مسئله ۱۴. ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های

حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است.

مسئله ۱۵. ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت، مانند

گاو و گوسفند و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند؛ مانند مار و ماهی پاک است.

مسئله ۱۶. بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آنها

مکروه است، پاک می‌باشد؛ مانند اسب و الاغ.

مسئله ۱۷. فضله پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک

است؛ ولی بهتر است از آنها دوری کرد.

احکام مردار

مسئله ۱۸. به حیوانی که به دستور اسلام کشته نشود،

«مُردار» گویند.^۱

مسئله ۱۹. حیوان‌ها دو دسته‌اند: برخی خون جهنده

دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن

بیرون می‌آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر

رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی‌آید.

۱. برای آشنایی بیشتر با چگونگی ذبح حیوان، به مسئله ۴۳۸ مراجعه کنید.

مسأله ۲۰. مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی، پاک است؛ اگرچه در آب بمیرد.

مسأله ۲۱. مردار حیوانی که خون جهنده دارد؛ اجزای بی‌روحش مانند مو و شاخ، پاک و اجزای روح‌دار آن؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

مسأله ۲۲. تمام اجزای بدن سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند؛ چه مرده و چه زنده آن، نجس است.

مسأله ۲۳. انسان مرده هرچند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزای بی‌روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان)، تمام بدنش نجس می‌باشد.

مسأله ۲۴. هرگاه میت را غسل دهند، بدنش پاک می‌شود.

مسأله ۲۵. کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می‌جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکه درگیری کشته شود و همان‌جا از دنیا برود، بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

احکام خون

مسأله ۲۶. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.

مسأله ۲۷. حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی و پشه، خونش پاک است.

مسأله ۲۸. بنا بر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذره‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد؛ ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده تخم مرغ پاک می‌باشد.

مسأله ۲۹. خونی که از لای دندان - لثه - می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فروبردن آب دهان هم اشکال ندارد؛ اگرچه بهتر است آن را فرو نبرند.

چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

مسأله ۳۰. اگر چیز پاکی به چیز نجسی برخورد کند و یکی از آن دو به گونه‌ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود.

مسأله ۳۱. اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه؟ پاک است. جستجو و واریسی هم لازم نیست، هرچند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد.

مسأله ۳۲. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مطهّرات (پاک‌کننده‌ها)

مسأله ۳۳. مطهّرات، چیزی را که نجس شده پاک می‌کنند. عمده پاک‌کننده‌ها عبارت‌اند از:

۱. آب
۲. زمین
۳. آفتاب
۴. اسلام
۵. برطرف‌شدن عین نجاست (به شرحی که خواهد آمد)

احکام آب‌ها

«آب» اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.

مسأله ۳۴. آب یا «مضاف» است یا «مطلق».

آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب گفته نشود؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

احکام آب مضاف:

مسئله ۳۵. ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند، ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهرات نمی‌باشد).
- اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.
- وضو و غسل با آن باطل است.

اقسام آب مطلق

مسئله ۳۶. آب، یا از زمین می‌جوشد؛ یا از آسمان می‌بارد؛ یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.
- آبی که از آسمان بیارد «باران» است.
- آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است.
- آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، اگر به مقداری که در مسئله بعد خواهد آمد، باشد، «گُر» و اگر کمتر از این مقدار باشد، «قلیل» است.

مسئله ۳۷. مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک احتیاطاً سه و جب و نیم باشد بریزند پر شود، یا وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریزی،

بیست مثقال کمتر باشد تقریباً معادل سیصد و هشتاد و چهار کیلوگرم، به مقدار کُر است.

آب قلیل

مسأله ۳۸. آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می شود، مگر آنکه با فشار به چیز نجس بریزد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده و آنچه بعد از آن است، نجس می شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می شود، و آب های بالا و داخل ظرف پاک است.

مسأله ۳۹. اگر آب کر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل شود و با آن مخلوط شود پاک می گردد؛ مثلاً اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می باشد بگذارند و آب بر آن بریزد، پاک می شود، ولی اگر بو، رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزه نجاست از بین برود.

آب های کر، جاری و چاه

مسأله ۴۰. تمام اقسام آب های مطلق، به جز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزه

نجاست بگیرد، نجس می‌شود. (آب جاری، چاه، کر و حتی باران در این حکم مشترک هستند).

مسئله ۴۱. آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع کر می‌باشد، در حکم آب جاری است.

مسئله ۴۲. برخی از خصوصیات آب باران:

- اگر باران بر چیز نجسی که عین نجاست^۱ در آن نیست، یک‌بار ببارد، پاک می‌شود.

- اگر بر فرش و لباس نجس ببارد، فشار لازم ندارد و پاک می‌شود.

- اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.

- هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگرچه کمتر از کر باشد، چنانچه چیز نجسی را درحالی‌که باران همچنان می‌بارد، در آن بشویند، تا زمانی که بویا رنگ یا مزه نجاست نگرفته، پاک است و چیز نجس را هم پاک می‌کند.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسئله ۴۳. برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را برطرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.

مسئله ۴۴. ظرف نجس را، بعد از برطرف کردن نجاست،

۱. عین نجاست: خود نجس است؛ مانند بول و خون.

اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است، ولی با آب قلیل سه مرتبه باید شست.

مسأله ۴۵. ظرف نجس را می توان این گونه آب کشید:
با آب کر: یکبار آن را در آب فرو برده و بیرون آورند.
با آب شیر متصل به کر: یکبار آب بر روی آن بریزند
یا یکبار زیر شیر بشویند.

با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را طوری در آن بگردانند که به جا های نجس برسد و بیرون بریزند.

مسأله ۴۶. فرش و لباس و چیزهایی مانند آن، که آب را به خود می گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می کنند، باید بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آب های درون آن بیرون آید و یا به گونه ای دیگر آب آن گرفته شود، ولی در آب کر و جاری فشار دادن لازم نیست.

زمین

مسأله ۴۷. اگر کف پا یا ته کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می شود، به شرط آن که عین نجاست برطرف شود و زمین پاک و خشک باشد و روی آن خاک، شن، سنگ و مانند اینها باشد.

مسأله ۴۸. اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاست ته کفش یا کف پا برطرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.

آفتاب

مسأله ۴۹. آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) این چیزها را پاک می‌کند:

- زمین.

- ظاهر ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است، مانند در و پنجره.

- درخت و گیاه.

مسأله ۵۰. آفتاب با این شرایط، پاک‌کننده است:

- چیز نجس تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.

- با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود. اگر چیز نجس مرطوب بماند، پاک نشده است.

- چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند. آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً به کمک باد خشک نشود.

- هنگام تابش آفتاب، عین نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.

- قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها روی آن پاک می شود.

مسأله ۵۱. اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن شود، بر آن ریخته و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.

اسلام

مسأله ۵۲. غیرمسلمان نجس است و اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می شود؛ یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ.

و با اسلام، تمام بدن او پاک می گردد.

بر طرف شدن عین نجاست

مسأله ۵۳. در دو مورد، با برطرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

الف: بدن حیوان؛ مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش برطرف شود پاک است.

ب: باطن بدن؛ مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلاً

احکام نوجوانان / ۴۲

اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد، به احتیاط واجب، نجس می‌شود؛ هر چند داخل دهان باشد.

وضو

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در برخی از موارد هم باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را با آداب مخصوص بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هریک آشنا خواهید شد.

چگونه وضو بگیریم؟

مسأله ۵۴. برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت، سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را به قصد وضو بشوید، آن گاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر، پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

شستن

مسأله ۵۵. در وضو انسان باید ابتدا صورت را از جایی که موی سر رویده تا آخر چانه، از بالا به پایین و به اندازه فاصله بین دو انگشت میانی و شست در عرض، صورت را بشوید و برای آنکه یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بشوید.

مسأله ۵۶. بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

مسأله ۵۷. برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسأله ۵۸. کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

مسح

مسأله ۵۹. جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است - جلوی سر - می باشد.

مسأله ۶۰. مسح سر، باید مقداری باشد که اگر کسی ببیند، بگوید مسح کرد.

مسأله ۶۱. احتیاط مستحب آن است که سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند.

مسئله ۶۲. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی کوتاه جلوی سر هم صحیح است، و اگر موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، در این صورت باید، پوست سر یا قسمت پایین - انتهای - مو را مسح کند.

مسئله ۶۳. پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقی مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط واجب آن است که تا مفصل - جایی که پا خم می شود - را نیز مسح کند.

مسئله ۶۴. در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد، و اگر دست را نگهدارد، و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

مسئله ۶۵. اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلاً صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسئله ۶۶. رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.

مسئله ۶۷. محل مسح - سر و روی پاها - باید خشک

باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد؛ ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد، اشکالی ندارد.

مسأله ۶۸. بین دست و سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله شود، هرچند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).

مسأله ۶۹. محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد، مسح بر روی جبیره انجام دهد و احتیاطاً تیمم هم بنماید.

شرایط وضو

مسأله ۷۰. با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتی یکی از آنها وضو باطل است:

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
۲. آب وضو و مکانی که در آن وضو می‌گیرد، مباح باشد (غصبی نباشد).
۳. آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
۴. ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد).
۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد).
۶. اعضای وضو پاک باشد.

۷. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
۸. با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
۹. رعایت ترتیب (به همان صورت که در اعمال وضو گذشت).
۱۰. رعایت موالات؛ بین اعمال وضو فاصله نیفتد.
۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد.
۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. برای وضوگرفتن وقت باشد.

توضیح شرایط وضو

- مسأله ۷۱.** وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.
- مسأله ۷۲.** آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:
- وضوگرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم باشد).
 - آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
 - آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند: حوض برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانه بعضی از مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می‌خوانند.
- مسأله ۷۳.** وضوگرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان

ندانند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضوگرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آب، وضو نگیرد.

مسئله ۷۴. اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری در دسترس نباشد، باید تیمم کرد و اگر کسی با آن آب وضو بگیرد، وضویش باطل است.

مسئله ۷۵. اعضای وضو؛ یعنی صورت، دست‌ها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.

مسئله ۷۶. اگر چیزی بر صورت یا دست‌ها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.

مسئله ۷۷. اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هرچند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید برطرف شود؛ چون بین دست و محل مسح، نباید چیزی فاصله شود.

مسئله ۷۸. خط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کرم، در صورتی که بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم دارد و روی پوست را گرفته باشد، باید برطرف شود.

مسئله ۷۹. اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.

مسئله ۸۰. کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود:

ابتدا صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر، و بعد پاها را مسح کند، و احتیاط این است که پای راست را پیش از پای چپ مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، وضوی او باطل است.

مسئله ۸۱. موالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.

مسئله ۸۲. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است.

مسئله ۸۳. کسی که می تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد، وضو باطل است.

مسئله ۸۴. کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیت وضو کند.

مسئله ۸۵. کسی که می داند اگر وضو بگیرد، مریض می شود و یا می ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد، باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته،

احتیاط واجب آن است که علاوه بر آن وضو تیمم نیز بنماید و نماز را با تیمم اعاده کند.

مسأله ۸۶. وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی؛ برای انجام فرمان خداوند عالم، وضو بگیرد و لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، به طوری که اگر از او پرسند، چه می‌کنی؟ بگوید: وضو می‌گیرم.

مسأله ۸۷. اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند؛ ولی اگر برای انجام وضو و تیمم به یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.

وضوی جبیره‌ای

دوایی که بر زخم و مانند آن می‌گذارند یا چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند، «جبیره» نام دارد.

مسأله ۸۸. شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند؛ مثلاً روی زخم باز است و آب برایش ضرر ندارد و یا روی زخم بسته است، ولی بازکردن آن امکان دارد و آب برای آن ضرر ندارد.

مسأله ۸۹. چنانچه زخم بر صورت یا دست‌ها است و روی آن باز است و آب‌ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بنا بر احتیاط باید دست تر بر آن بکشد.

مسأله ۹۰. در وضوی جبیره‌ای، باید جاهایی را که شستن یا مسح آن امکان دارد، به‌طور معمول بشوید یا مسح کند و جاهایی که امکان ندارد، دست تر بر جبیره بکشد.

مسأله ۹۱. اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها (محل مسح) است و روی آن باز می‌باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، احوط آن است که پارچه پاکی رویش بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو، که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست، مسح لازم نیست ولی در هر دو صورت باید بعد از وضو، تیمّم نماید.

مسأله ۹۲. اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره هست باید به شیوه‌ای که در جبیره بیان شد، عمل کند.

مسأله ۹۳. کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، باید سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.

مسأله ۹۴. اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها یا تمام هر دو دست را فرا گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب، اگر تمام یا قسمتی از مواضع تیمّم پوشیده نیست، تیمّم هم بنماید.

مسأله ۹۵. اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است، روی جبیره را مسح کند.

مسأله ۹۶. اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط واجب تیمّم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است، باید بردارد.

مسأله ۹۷. اگر در جای وضو یا غسل، چیزی چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقّت دارد که نمی‌توان تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند، و بنا بر احتیاط واجب، اگر تمام یا بعضی از مواضع تیمّم پوشیده نیست، تیمّم هم بنماید.

مسأله ۹۸. اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن دست تر کشید؛ مثلاً دوایی است که به دست می‌چسبد، پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.

مسأله ۹۹. غسل جبیره‌ای مانند وضوی جبیره‌ای

است، ولی احوط آن است که ترتیبی به جا آورده شود، نه ارتماسی.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسئله ۱۰۰. انسان باید برای نماز، به جز نماز میّت، و برای طواف واجب کعبه و برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.

مسئله ۱۰۱. اگر نماز یا طواف بدون وضو انجام شود، باطل است.

مسئله ۱۰۲. کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:

- خط قرآن، ولی ترجمه آن اشکال ندارد.
- اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند: «الله»، «خدا»، «God».

- نام پیامبر اکرم ﷺ و اسامی امامان و نام حضرت زهراء ﷺ (بنا بر احتیاط واجب).

مسئله ۱۰۳. برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:

- رفتن به مسجد و حرم امامان ﷺ.

- خواندن قرآن.
- همراه داشتن قرآن.
- رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیه قرآن.
- زیارت اهل قبور.

چگونه وضو باطل می‌شود؟

- مسأله ۱۰۴. اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند، وضو باطل می‌شود:
- خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد روده از انسان.
 - خواب؛ چنانچه چشم نبیند و گوش نشود.
 - چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.
 - استحاضه زنان.^۱
 - آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت، مسّ میت بنا بر احتیاط^۲ و حیض و نفاس.

۱. این مسأله مربوط به بانوان است، برای توضیح بیشتر به مسأله ۱۳۷ مراجعه کنند.

۲. مسأله ۵۳۶ توضیح المسائل.

غسل

گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می شود.

شیوه غسل کردن

مسئله ۱۰۵. در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب؛ مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسل ها در چگونگی انجام دادن فرقی ندارند مگر در نیت.

مسئله ۱۰۶. غسل را به دو صورت می توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ.

در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می گیرد. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب به قدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

مسئله ۱۰۷. تمام شرط‌هایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد،^۱ در صحیح بودن غسل هم شرط است، به جز موالات. همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

مسئله ۱۰۸. کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد.

مسئله ۱۰۹. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود بدون وضو نماز خواند، پس باید وضو هم بگیرد.

مسئله ۱۱۰. در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک‌بودن تمام بدن لازم نیست، بلکه اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت، آب بکشد کافی است.

مسئله ۱۱۱. غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است.^۲

مسئله ۱۱۲. کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه، غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، غسل او صحیح است.

مسئله ۱۱۳. در غسل لازم نیست تمام بدن با دست

۱. شرایط وضو در مسئله ۷۰ گذشت.

۲. احکام وضوی جبیره‌ای در مسئله ۸۸ تا ۹۸ گذشت.

شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، آب را به تمام بدن برساند، کافی است.

غسل‌های واجب

مسئله ۱۱۴. غسل‌های واجب هفت تاست:

جنابت، میّت، مَسُّ میّت، حیض، استحاضه، نفاس و غسلی که به سبب نذر واجب می‌شود.

غسل جنابت

مسئله ۱۱۵. اگر از انسان منی بیرون آید، هرچند در خواب باشد، یا آمیزش کند، هرچند منی خارج نشود جُنُب می‌شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

مسئله ۱۱۶. اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی‌شود.

مسئله ۱۱۷. کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا می‌داند آنچه بیرون آمده منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند.

مسئله ۱۱۸. اگر از انسان رطوبتی خارج شود که نداند بول است یا منی یا... چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و یا با جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت در حکم منی است، ولی اگر

هیچ‌یک از این دو را نداشته باشد، آن رطوبت در حکم منی نمی‌باشد، ولی نسبت به مریض، بیرون‌آمدن از روی شهوت، کافی است.

مسأله ۱۱۹. مستحب است انسان بعد از بیرون‌آمدن منی، بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.

کارهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۱۲۰. از زمانی که انسان جنب می‌شود، تا وقتی که غسل می‌کند و یا اگر نمی‌تواند غسل کند، تیمم می‌کند، این کارها بر او حرام است:

- رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و امامان علیهم‌السلام و حضرت زهراء علیها‌السلام.

- رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، هرچند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.

- توقف در مساجد و بنا بر احتیاط واجب حرم امامان علیهم‌السلام، ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد.

- خواندن آیه‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد؛ حتی یک حرف از آن، در سوره‌های: سجده، فصلت، نجم، علق.

مسأله ۱۲۱. اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد و همچنین نمازخانه مؤسسه یا ادارات، حکم مسجد را ندارد.

مسأله ۱۲۲. توقّف در حرم امامزاده‌ها در حال جنابت، اشکال ندارد، ولی توقّف در مساجدی که معمولاً کنار حرم‌ها ساخته‌اند، حرام است.

غسل میت

مسأله ۱۲۳. هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند.^۱

غسل مَسِّ میت

مسأله ۱۲۴. اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسِّ میت کند.

غسل‌های اختصاصی خانم‌ها

مسأله ۱۲۵. سه غسل از غسل‌های واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس؛ تنها بر خانم‌ها واجب می‌شود و سبب این غسل‌ها، خونی است که از رحم بیرون می‌آید و هر یک احکام خاصی دارد.

۱. برای آشنایی با احکام اموات، می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسأله ۵۴۸ به بعد مراجعه کنید.

غسل حیض (قاعدگی)

مسئله ۱۲۶. زمانی که خونریزی قاعدگی (رگل) قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.

مسئله ۱۲۷. خونریزی قاعدگی قبل از بلوغ اتفاق نمی‌افتد و اگر دختری قبل از تمام شدن نه سال قمری خونی ببیند، حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۲۸. دوره قاعدگی کمتر از سه روز نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۲۹. دوره قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض را ندارد.

مسئله ۱۳۰. خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.

مسئله ۱۳۱. در مدت قاعدگی کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقف در مسجد، نماز، طواف و ... بر حائض هم حرام است.^۱

مسئله ۱۳۲. در ایام قاعدگی نماز و روزه واجب

۱. برخی از کارهای دیگر نیز حرام است که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۴۵۶ مراجعه کنید؛ همچنین کارهایی که بر جنب حرام است، در مسئله ۱۲۰ گذشت.

نیست و نمازها قضا ندارد ولی قضای روزه‌ها را باید به جا آورد.

مسأله ۱۳۳. غسل حیض با غسل جنابت تفاوتی ندارد، مگر در نیت.

مسأله ۱۳۴. با غسل حیض به تنهایی نمی‌توان نماز خواند، بلکه باید علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد.

غسل استحاضه

مسأله ۱۳۵. یکی دیگر از خون‌هایی که گاهی اوقات از رجم زن بیرون می‌آید، «استحاضه» است.

مسأله ۱۳۶. خون استحاضه معمولاً زردرنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست، ولی ممکن است گاهی اوقات پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.

مسأله ۱۳۷. خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن، به سه دسته تقسیم می‌شود، که اگر بسیار کم باشد غسل ندارد، ولی وضو را باطل می‌کند و اگر کم نباشد، غسل واجب می‌شود که جهت آشنایی با موارد آن و احکام هریک، بانوان به رساله توضیح المسائل^۱ مراجعه کنند.

۱. در توضیح المسائل به مسأله ۴۰۰ به بعد مراجعه نمایید.

غسل نفاس

مسأله ۱۳۸. غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی‌شود، که زن پس از خون‌ریزی زایمان باید آن را انجام دهد (به شرحی که در رساله توضیح المسائل، مسأله ۵۱۴ آمده است).

تیمم

- مسأله ۱۳۹. در این موارد باید به جای وضو و غسل، تیمم کرد:
- آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.
 - آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا می شود یا بیماری اش شدید می شود و یا دیر، بهبودی می یابد.
 - اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همراهان و یا کسانی که به او مربوط اند، یا کسی که حفظ جان او واجب است، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن سخت است - حتی حیوانی که در اختیار اوست -.
 - بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.
 - وقت به قدری تنگ باشد که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود.

دستور تیمم

مسأله ۱۴۰. در تیمم پنج چیز واجب است:

۱. نیت.

۲. زدن کف دو دست باهم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

۳. کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا روی ابروها و بالای بینی.

۴. کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

۵. کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ - انگشتان هم جزو کف دست می‌باشند - .

مسأله ۱۴۱. برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسأله ۱۴۲. انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دست‌ها وجود دارد، برطرف کند.

مسأله ۱۴۳. تمام کارهای تیمم، باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم به‌جای وضو است یا غسل، و این همان نیت تیمم است.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسأله ۱۴۴. تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، اگر پاک باشند صحیح است.

احکام تیمم

مسأله ۱۴۵. تیممی که به جای وضو است، با تیممی که به جای غسل است، فرقی ندارد.

مسأله ۱۴۶. کسی که به جای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می کند از او سر بزند، تیممش باطل می شود.

مسأله ۱۴۷. کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می کند، پیش آید، تیممش باطل می شود، مثلاً اگر به جای غسل جنابت تیمم کرده، اگر دوباره جنب شود، تیممش باطل می شود.

مسأله ۱۴۸. تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می شود.

مسأله ۱۴۹. اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.

نماز

نماز مهم ترین اعمال دینی است، که اگر مقبول درگاه خداوند عالم بشود، عبادت های دیگر نیز قبول می گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد. همان طور که اگر انسان، در شبانه روز پنج نوبت خود را در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنج گانه هم انسان را از گناهان پاک می کند. سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«کسی که به نماز اهمیّت ندهد و آن را

سبک بشمارد، سزاوار عذاب آخرت است.»

شایسته است نماز گزار کارهایی که ثواب نماز را کم می کند، به جا نیاورد؛ مثلاً با حالت خواب آلودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند به جا آورد؛ مثلاً لباس پاکیزه

بپوشد، خود را خوشبو کند، دندان‌هایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب.

نمازهای واجب هم دو دسته‌اند:

برخی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشند که باید در هر شبانه‌روز و در زمان‌های خاصی به جا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاصّ واجب می‌شوند و برنامه همیشگی و هر روزه نمی‌باشند.

وقت نمازهای روزانه

مسأله ۱۵۰. نمازهای هر روزه، پنج نماز، و مجموع آنها، هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت

نماز عصر: چهار رکعت

نماز مغرب: سه رکعت

نماز عشاء: چهار رکعت

مسأله ۱۵۱. وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع

آفتاب است، که در این مدّت باید خوانده شود و هرچه به اذان صبح نزدیک‌تر باشد، بهتر است.

وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا مغرب است که به اندازه خواندن یک نماز چهار رکعتی در اوّل وقت مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به مغرب مانده باشد، مخصوص نماز عصر است.

وقت نماز مغرب و عشاء، از مغرب تا نصف شب است که به اندازه خواندن یک نماز سه رکعتی که از مغرب بگذرد، مخصوص نماز مغرب، و به اندازه یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است، مخصوص نماز عشاء می‌باشد.

وقت نماز صبح

مسأله ۱۵۲. نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

ظهر شرعی و وقت نماز ظهر

مسأله ۱۵۳. اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می‌کند سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید سایه کم می‌شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو

به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.^۱

مغرب چه هنگامی است؟

مسئله ۱۵۴. «مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر بگذرد.

محاسبه نیمه‌شب

مسئله ۱۵۵. برای محاسبه نیمه‌شب، که پایان وقت نماز عشاء به دست می‌آید، احتیاط واجب آن است که فاصله بین غروب تا اذان صبح را نصف کنیم.^۲

احکام اوقات نماز

مسئله ۱۵۶. نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی‌باشد، و بستگی به زمانی دارد که به علتی آن نماز واجب شود؛ مثلاً نماز آیات بستگی به زلزله یا خسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود.

مسئله ۱۵۷. اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود - عمداً باشد یا سهواً - نماز باطل است.

۱. در برخی از شهرها، از جمله مکه، گاهی اوقات موقع ظهر سایه از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

۲. تقریباً یازده ساعت و ربع که از ظهر شرعی بگذرد آخر وقت نماز مغرب و عشاء است؛ مثلاً اگر ظهر شرعی ساعت ۱۲:۱۵ باشد، نیمه‌شب ساعت ۱۱:۳۰ می‌باشد.

اگر نماز در وقت خودش خوانده می‌شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «آداء» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «قضا» شده است.

مسأله ۱۵۸. انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.

مسأله ۱۵۹. مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هرچه به اول وقت نزدیک‌تر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۱۶۰. اگر وقت نماز تنگ باشد، که اگر بخواند مستحبّات نماز را به جا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبّات را به جا نیاورد، مثلاً اگر بخواند قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، نباید قنوت را بخواند.

مسأله ۱۶۱. انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشاء را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند، نماز او باطل است.

قبله

مسأله ۱۶۲. خانه کعبه، که در شهر مکه و در

مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.

مسأله ۱۶۳. کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

پوشانیدن بدن در نماز

مسأله ۱۶۴. پسرها و مردان در نماز، باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.

مسأله ۱۶۵. دخترها و زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند، ولی پوشانیدن دست‌ها و پاها تا مچ و صورت، به مقداری که در وضو باید شسته شود، لازم نیست، اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند.

مسأله ۱۶۶. لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:

- پاک باشد (نجس نباشد).

- مباح باشد (غصبی نباشد).

- از اجزای مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته نشده است تهیه نشده باشد، حتی کمر بند و کلاه.

- از حیوان حرام‌گوشت نباشد، مثلاً از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.

- اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.

مسئله ۱۶۷. علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.

مسئله ۱۶۸. اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است، ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۱۶۹. در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

- نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.
- به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.

- لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از درهم (تقریباً به اندازه یک سکه دو ریالی) است.

- ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلاً آب برای آب کشیدن آن ندارد.

مسئله ۱۷۰. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک

نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای مردار یا حرام‌گوشت نباشد اشکال ندارد.^۱

مسئله ۱۷۱. پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و خوشبوکردن خود و به دست کردن انگشتی عقیق در نماز، مستحب است.

مسئله ۱۷۲. پوشیدن لباس سیاه، چرک، تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و بازبودن دکمه‌های لباس در نماز، مکروه است.

مکان نمازگزار

مسئله ۱۷۳. مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:

- مباح باشد (غصبی نباشد).
- بی‌حرکت باشد، مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد.
- جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را به‌طور صحیح انجام دهد.
- جایی که پیشانی را در حال سجده می‌گذارد، پاک باشد.
- مکان نمازگزار، اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند.
- جایی که پیشانی را، در حال سجده می‌گذارد، از جای

۱. برای آشنایی می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسئله ۸۵۶ مراجعه فرمایید.

قدم‌های او، بیش از چهار انگشت بسته، پست‌تر یا بلندتر نباشد؛ ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد.^۱

احکام مکان نمازگزار

مسئله ۱۷۴. در حال ناچاری، نمازخواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند قطار و هواپیما و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر و بر مکان ناهموار، اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۵. انسان، بنا بر احتیاط واجب، باید رعایت ادب را بنماید و جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام نماز نخواند.

مسئله ۱۷۶. مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسئله سفارش بسیار شده است.

احکام مسجد

مسئله ۱۷۷. از مسائلی که خواهد آمد، به اهمیت حضور در مسجد و نمازخواندن در آن پی می‌بریم:

- زیاد رفتن به مسجد مستحب است.
- رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است.

۱. در رساله توضیح المسائل، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر می‌توانید به مسائل ۸۷۵ تا ۹۰۱ مراجعه کنید.

- همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، در صورتی که در غیر از مسجد نماز بخواند، مکروه است.
- مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.
- مسئله ۱۷۸.** این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:
 - زینت کردن مسجد با طلا.
 - فروش مسجد، هرچند خراب شده باشد.
 - نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود، باید فوراً تطهیر کند.
 - بردن خاک و ریگ از مسجد، مگر خاک‌های زیادی، مانند خاکروبه.
- مسئله ۱۷۹.** این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:
 - زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.
 - چراغ مسجد را روشن کردن.
 - تمیز کردن مسجد.
 - هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.
 - هنگام بیرون آمدن از مسجد، اول پای چپ را بیرون گذاشتن.
 - خواندن دو رکعت نماز مستحبی تَحِیَّتِ مسجد.
 - خوشبو کردن خود، و پوشیدن بهترین لباس‌ها برای رفتن به مسجد.

- مسأله ۱۸۰.** این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:
- عبور از مسجد، به عنوان محل عبور؛ بدون آنکه در آنجا نماز بخواند.
 - انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
 - خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
 - فریادزدن در مسجد و صدا را بلندکردن مگر برای اذان.
 - خرید و فروش، در مسجد.
 - سخن گفتن از امور دنیا.
 - رفتن به مسجد، برای کسی که بوی دهانش مردم را آزار می دهد.

آمادگی برای نماز

اکنون، پس از فراگرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار، آماده شروع نماز می شویم:

اذان و اقامه

مسأله ۱۸۱. بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیّه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

اذان

اللهُ أَكْبَرُ ۴ مرتبه

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه

- أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲ مرتبه
- أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه
- اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه

اقامه

- اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه
- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۲ مرتبه
- أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ۲ مرتبه
- أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ۲ مرتبه
- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ۲ مرتبه
- قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ ۲ مرتبه
- اللَّهُ أَكْبَرُ ۲ مرتبه
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ۱ مرتبه

مسأله ۱۸۲. جمله «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزو اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، به قصد قربت گفته شود.

احکام اذان و اقامه

مسئله ۱۸۳. اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید - عمداً باشد یا سهواً - باطل است.

مسئله ۱۸۴. اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.

مسئله ۱۸۵. بین جمله‌های اذان و اقامه، نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از حد معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را تکرار کند.

مسئله ۱۸۶. اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

مسئله ۱۸۷. اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صف‌ها برهم نخورده و جمعیت متفرق نشده‌اند، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

مسئله ۱۸۸. نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد.

مسئله ۱۸۹. مستحب است در روز اول که کودک به دنیا می‌آید، در گوش راست او، اذان و در گوش چپش، اقامه بگویند.

مسئله ۱۹۰. مستحب است کسی را که برای گفتن اذان، معین می‌کنند، عادل، وقت‌شناس و صدایش بلند باشد.

اعمال نماز

- مسأله ۱۹۱. نماز با گفتن «الله اکبر» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.
- مسأله ۱۹۲. آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.

واجبات نماز

- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

رکن

۱. نیت
۲. قیام (ایستادن):
الف. قیام هنگام تکبیرة الاحرام:
ب. قیام متصل به رکوع (ایستادن پیش از رکوع)
۳. تکبیرة الاحرام
۴. رکوع
۵. سجود (دو سجده)

غیر رکن

۱. قرائت
۲. ذکر رکوع و سجود
۳. تشهد

احکام نوجوانان / ۸۰

۴. سلام

۵. ترتیب

۶. موالات

فرق بین رکن و غیر رکن

مسأله ۱۹۳. ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها به‌جا آورده نشود و یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است، ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست؛ ولی اگر عمداً ترک شود، یا زیاد شود، نماز باطل است.

احکام واجبات نماز

نیت

مسأله ۱۹۴. نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم به‌جا آورد.

مسأله ۱۹۵. به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید، اشکال ندارد.

مسأله ۱۹۶. نماز، باید از هرگونه ریا و خودنمایی به‌دور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند به‌جا

آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است.

تکبيرة الاحرام

مسأله ۱۹۷. همان گونه که گذشت، نماز با گفتن «الله اکبر» آغاز می شود و به آن «تکبيرة الاحرام» می گویند. چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارهایی که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

مسأله ۱۹۸. مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبيرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

قیام

مسأله ۱۹۹. قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبيرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بخواند.

مسأله ۲۰۰. اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود و پس از آن، سجدهها را به جا آورد.

مسأله ۲۰۱. بنا بر احتیاط واجب، نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست

سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۲. کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.

مسئله ۲۰۳. واجب است بعد از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.

قرائت

مسئله ۲۰۴. در رکعت اول و دوم نمازهای روزانه، انسان باید اول سوره حمد و بعد از آن یک سوره کامل قرآن - مثلاً سوره توحید - را بخواند.

سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ *
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ *

سوره توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
 يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ *

و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سوره حمد،
 یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه
 هم بخواند، کافی است.

تسبیحات اربعه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

احکام قرائت

مسأله ۲۰۵. در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره
 حمد یا تسبیحات اربعه، آهسته خوانده شود.

مسأله ۲۰۶. در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اول و
 دوم نیز باید آهسته خوانده شود.

مسأله ۲۰۷. پسرها و مردان در نمازهای صبح، مغرب و
 عشاء، باید حمد و سوره را در رکعت اول و دوم بلند
 بخوانند، ولی دخترها و بانوان، اگر نامحرم صدایشان را
 نمی‌شنود، می‌توانند بلند بخوانند و گرنه، بنا بر احتیاط
 واجب باید آهسته بخوانند.

مسأله ۲۰۸. اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نماز وی صحیح است.

مسأله ۲۰۹. اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

مسأله ۲۱۰. انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هرطور که می‌تواند بخواند و احتیاط واجب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد، مگر آنکه بر او حَرَج باشد.

رکوع

مسأله ۲۱۱. در هر رکعت بعد از قرائت، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند، و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.

مسأله ۲۱۲. در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، به شرط آنکه به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

مسأله ۲۱۳. در حال ذکر رکوع، باید بدن آرام باشد.

مسأله ۲۱۴. اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.

مسأله ۲۱۵. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

سجود

مسأله ۲۱۶. نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده به جا آورد.

مسأله ۲۱۷. سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها - شست - را بر زمین بگذارد و در حال سجده، واجب است ذکر بگوید.

مسأله ۲۱۸. در سجده هر ذکری بگوید کافی است، به شرط آنکه مقدار ذکر از سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.

مسأله ۲۱۹. در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.

مسأله ۲۲۰. اگر کسی پیش از آنکه پیشانی اش به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن، دوباره ذکر را بگوید و به احتیاط واجب، پس از اتمام نماز آن را اعاده نماید و اگر به همان ذکر اول، اکتفا نماید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

مسئله ۲۲۱. نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجده اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسئله ۲۲۲. اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.

مسئله ۲۲۳. اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گویید، غیر از پیشانی یکی دیگر از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، احتیاط واجب، آن است که بعد از آرام گرفتن همه اعضا، دوباره ذکر واجب را بگوید، و نماز را تمام نموده، آن را اعاده نماید؛ ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، مواضع دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

مسئله ۲۲۴. اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، مانع ندارد.

مسئله ۲۲۵. نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نیست، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.

مسئله ۲۲۶. سجده بر مواد معدنی؛ مانند طلا، نقره، عقیق و فیروزه صحیح نیست.

مسئله ۲۲۷. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و گاه صحیح است.

مسئله ۲۲۸. سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، اشکال دارد.

مسأله ۲۲۹. برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام می باشد و بعد از آن بدین ترتیب:

- خاک

- سنگ

- گیاه

مسأله ۲۳۰. اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد باید مهر را بردارد بعد به سجده رود، و الا اشکال دارد.

وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول، سجده کند

مسأله ۲۳۱. کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.

مسأله ۲۳۲. اگر نمی تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که، به قدری مهر را بلند کند تا پیشانی را بر آن بگذارد.

سجده واجب قرآن

مسأله ۲۳۳. در چهار سوره قرآن، آیه سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً سجده کند.

مسئله ۲۳۴. سوره‌هایی که آیه سجده، دارند:

- سوره شماره ۳۲: سجده، آیه ۱۵.
- سوره شماره ۴۱: فُصِّلَتْ، آیه ۳۷.
- سوره شماره ۵۳: نَجْم، آخرین آیه.
- سوره شماره ۹۶: عَلَق، آخرین آیه.

مسئله ۲۳۵. اگر سجده واجب را فراموش کند، هر وقت یادش آمد، باید سجده کند.

مسئله ۲۳۶. اگر آیه سجده را از رادیو و ضبط صوت و مانند آن بشنود، بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند.

مسئله ۲۳۷. اگر آیه سجده را مثلاً از بلندگو که مستقیم صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.

مسئله ۲۳۸. گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می‌باشد.

تشهد

مسئله ۲۳۹. در رکعت دوم و رکعت آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سلام

مسأله ۲۴۰. در رکعت آخر نماز، پس از تشهد، باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد و مستحب است پس از تشهد بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ

و بعد از آن واجب است بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ

یا بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِیْنَ

ولی اگر این سلام را بگوید احتیاط واجب آن است که بعد از آن اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ را هم بگوید.

ترتیب

مسأله ۲۴۱. نماز باید بدین ترتیب خوانده شود:

تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

موالات

مسأله ۲۴۲. موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

مسأله ۲۴۳. اگر کسی به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

مسأله ۲۴۴. طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را برهم نمی زند.

قنوت

مسأله ۲۴۵. مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دست ها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکر بخواند.

مسأله ۲۴۶. در قنوت هر ذکر بگوید، اگرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، کافی است و می تواند این دعا را بخواند:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

تعقیب نماز

تعقیب؛ یعنی مشغول شدن به ذکر، دعا و قرآن بعد از سلام نماز.

مسأله ۲۴۷. بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.

مسأله ۲۴۸. لازم نیست تعقیب به زبان عربی گفته شود، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب های دعا دستور داده اند، بخواند.

مسأله ۲۴۹. از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) است؛ یعنی گفتن ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ».

مبطلات نماز

مسأله ۲۵۰. آن گاه که نماز گزار، تکبیره الاحرام می گوید و نماز را شروع می کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد، نمازش باطل است، مانند:

- سخن گفتن.
- خندیدن.
- گریستن برای دنیا.
- روی از قبله برگرداندن.
- خوردن و آشامیدن.
- برهم زدن صورت نماز.
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز (به شرحی که در مسأله شماره ۱۹۳ گذشت).^۱

۱. برای آشنایی با سایر مبطلات نماز می توان به رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۱۳۵، مراجعه نمود.

احکام مبطلات نماز

سخن گفتن

مسأله ۲۵۱. اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگرچه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، نمازش باطل است.

مسأله ۲۵۲. اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلاً متوجه نیست که در حال نماز است، نماز باطل نمی‌شود.

مسأله ۲۵۳. سرفه کردن و عطسه نمودن، نماز را باطل نمی‌کند.

مسأله ۲۵۴. در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد، و باید همان‌طور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلاً اگر گفته: «سلامٌ علیکم»، در جواب بگوید، «سلامٌ علیکم»، ولی در جواب «علیکم السّلام» باید بگوید: «سلامٌ علیکم».

خندیدن

مسأله ۲۵۵. اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است، چنانچه سهواً هم با صدا بخندد به طوری که صورت نماز از بین برود، نماز باطل است.

مسأله ۲۵۶. لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

روی از قبله برگرداندن

مسأله ۲۵۷. اگر عمداً به قدری بدن خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.

مسأله ۲۵۸. اگر فقط صورت را کمی به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، - عمداً باشد یا سهواً - نماز وی صحیح است، اگرچه این عمل، کراهت دارد.

خوردن و آشامیدن

مسأله ۲۵۹. اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، به طوری که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.

مسأله ۲۶۰. اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، به طوری که موالات نماز از بین برود، هرچند صورت نماز برهم نخورد، بنا بر احتیاط واجب، نمازش باطل می شود.

برهم خوردن صورت نماز

مسأله ۲۶۱. اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و...، هرچند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.

مسأله ۲۶۲. اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.

مسأله ۲۶۳. رهاکردن نماز واجب - شکستن نماز - حرام است، مگر در حال ناچاری؛ مانند این موارد:

حفظ جان، حفظ مال، جلوگیری از ضرر مالی و بدنی.

مسأله ۲۶۴. شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:

- در بین نماز نمی تواند بدهی را بپردازد.

- طلبکار، طلب خود را می‌خواهد.
- وقت نماز تنگ نیست، یعنی می‌تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.
- مسأله ۲۶۵.** شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد، مکروه است.
- مسأله ۲۶۶.** برخی از کارهایی که در نماز مکروه است:
۱. برهم گذاشتن چشم‌ها.
 ۲. بازی کردن با انگشتان و دست‌ها.
 ۳. سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.
 ۴. هر کاری که خضوع را از بین ببرد.
 ۵. برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم، چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند.

ترجمه اذان و اقامه

اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کنند.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا و

بی‌همتا، خدایی نیست.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

گواهی می‌دهم که محمد پیغمبر خدا است.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ

بشتابید به سوی نماز.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ

بشتابید به سوی رستگاری.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

بشتابید به سوی بهترین عمل.

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ

همانا نماز برپا شد.

اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کنند.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

جز خدای یکتا و بی‌همتا، خدایی نیست.

ترجمه نماز

تکبيرة الاحرام

اللَّهُ أَكْبَرُ

خدا بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کنند.

حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ستایش، مخصوص خداوندی است که،
پرودگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که بخشنده و مهربان است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

مالک روز جزا است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای.

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

نه راه کسانی که بر آنها غضب کرده‌ای، و
نه گمراهان.

سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

بگو او خداوند یکتاست.

اللَّهُ الصَّمَدُ

خداوند بی نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نزاده و زاییده نشده است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و هیچ کس، همتای او نیست.

ذکر رکوع

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

خدای بزرگ خود را منزّه می دانم و می ستایم.

ذکر سجود

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

خداوند خود را که از همه بالاتر است

می ستایم و پیراسته می شمرم.

تسبیحات اربعه

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

منزّه است خدا، ستایش مخصوص خدا

است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست

و خدا بزرگتر از آن است که او را

وصف کنند.

تشهّد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتا است و شریک ندارد.

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداوند است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست.

سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد
ای پیامبر!

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

درود بر ما - نمازگزاران - و بر بندگان شایسته خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

سلام بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما باد.

شکایات نماز

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلاً نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه، و یا نمی‌داند یک سجده به جا آورده است یا دو سجده، و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلاً نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوّم است یا چهارم.

برای شک در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حد این نوشته خارج است، ولی به‌طور مختصر، به بیان بعضی از اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

شک در اجزای نماز

مسأله ۲۶۷. اگر نمازگزار در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن جزء را به جا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را به جا آورد؛ ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده؛ یعنی از محل آن گذشته است؛ به چنین شکّی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

مسأله ۲۶۸. اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحّت آن شکّ کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که به‌جا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شکّ خود اعتنا نمی‌کند، یعنی؛ بنا را بر صحیح بودن آن می‌گذارد و نماز را ادامه می‌دهد.

شکّ‌هایی که نماز را باطل می‌کند

مسأله ۲۶۹. اگر در نماز دو رکعتی؛ مثل نماز صبح، یا در نماز سه رکعتی مثل نماز مغرب، شکّ در رکعات پیش آید، نماز باطل است.

مسأله ۲۷۰. اگر در نماز چهار رکعتی بین یک و بیشتر از یک شکّ کند؛ مثلاً یک و دو، یا یک و سه، نماز باطل است.

مسأله ۲۷۱. اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.

حکم شک در نماز چهار رکعتی

مسأله ۲۷۲. شک در رکعات نماز چهار رکعتی

ردیف	شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از انجام ذکر واجب سجده دوم در حالت نشسته	توضیحات
۱	شک بین ۲ و ۳	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	وظیفه نماز گزار در مولودی که نماز صحیح باشد بنا بر سه گزاشته و یک رکعت دیگر می خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط می خواند.
۲	شک بین ۲ و ۴	باطل	باطل	باطل	باطل	صحیح	بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.
۳	شک بین ۲ و ۴	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	صحیح	بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند.
۴	شک بین ۴ و ۵	صحیح	باطل	باطل	باطل	صحیح	اگر در حال قیام شک پیش آمده است، بدون رکوع می نشیند و نماز را تمام می کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بدعا می آورد و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو نیز بدعا می آورد و اگر در حال نشسته، بعد از تمام شدن ذکر سجده دوم پیش آمده است، بنا را بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو سجده سهو بدعا می آورد.

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

مسئله ۲۷۳. شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد عبارتند از:

۱- در نماز مستحبی.

۲- در نماز جماعت.

۳- پس از سلام نماز.

۴- بعد از گذشتن وقت نماز.

۵- بعد از گذشتن محل چیزی در نماز.

مسئله ۲۷۴. اگر در تعداد رکعت‌های نماز مستحبی شک

کند، بنا را بر دو می‌گذارد، چون تمام نمازهای مستحبی - به جز نماز وتر و اعرابی - دو رکعتی است. پس اگر شک بین یک و دو یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنا را بر دو می‌گذارد و نماز صحیح است.

مسئله ۲۷۵. در نماز جماعت، اگر امام جماعت در

رکعت‌های نماز شک کند ولی مأوم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم است، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند و همچنین اگر مأوم شک کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همان‌گونه که امام جماعت نماز را انجام می‌دهد، او هم عمل می‌کند و صحیح است.

مسئله ۲۷۶. اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش

صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد

از سلام نماز چهار رکعتی شکّ کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شکّ خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شکّ او باطل باشد؛ مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شکّ کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

مسأله ۲۷۷. اگر بعد از گذشتن وقت نماز شکّ کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شکّ کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن را به جا آورد.

مسأله ۲۷۸. اگر یکی از شکّ‌هایی که نماز را باطل می‌کند، پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شکّ باقی ماند، نماز را برهم می‌زند و دوباره شروع کند.

نماز احتیاط

مسأله ۲۷۹. در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل: شکّ بین سه و چهار، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکه صورت نماز را برهم بزند و یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسأله ۲۸۰. فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

- نیت آن را نباید به زبان آورد.

- سوره و قنوت ندارد (هرچند دو رکعتی باشد).

- سوره حمد، حتی بسم الله را، بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

مسأله ۲۸۱. اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد،

پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

سجده سهو

مسأله ۲۸۲. در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود،

مانند: شک بین چهار و پنج در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

یا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و یا بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

و بعد بنشینند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید؛ سپس بنشینند و تشهد و سلام را بخوانند.

نماز مسافر

مسأله ۲۸۳. انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت - یعنی شکسته - به جا آورد، به شرط آنکه مسافرتش از هشت فرسخ کمتر نباشد. [هشت فرسخ شرعی، تقریباً چهل و پنج کیلومتر است].

مسأله ۲۸۴. اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حداقل چهار فرسخ می رود و چهار فرسخ برمی گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.

مسأله ۲۸۵. کسی که به مسافرت می رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود و اهل آنجا او را نبینند و نشانه آن این است که اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آنکه به این مقدار دور شود، بخواهد نماز بخواند، باید نماز را تمام بخواند.

مسأله ۲۸۶. اگر به جایی می رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا

بیشتر باشد، چنانچه از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند؛ مثلاً اگر از وطن به روستایی می رود که دو راه دارد؛ یک راه چهار فرسخ است و راه دیگر سه فرسخ، اگر از راه اول برود و از همان راه برگردد، نمازش در بین راه و در آن روستا، شکسته است.

ولی اگر از راه اول برود و از راه دیگر برگردد و یا از راه دوم برود و از همان راه برگردد، چون مجموع سفر کمتر از هشت فرسخ می باشد، نماز در بین راه و در آن روستا تمام است.

مسأله ۲۸۷. در این موارد، در سفر، نماز باید تمام خوانده شود:

۱. قبل از آنکه هشت فرسخ برود، از وطن خود می گذرد و یا در جایی ده روز می ماند.
۲. از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است؛ مثل کسی که به دنبال گمشده ای می گردد.
۳. در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.
۴. کسی که شغل او مسافرت است، مثل راننده قطار و

ماشین‌های برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست).

۵. کسی که برای کارش به‌طور متعارف بین ده روز، حداقل یکبار به مسافرت می‌رود؛ مانند دانش‌آموز و دانشجویی که برای تحصیل به شهر دیگر می‌رود و هر جمعه به وطن خود برمی‌گردد.

۶. کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد.

مسئله ۲۸۸. در این مکان‌ها نماز تمام است:

- در وطن.

- در جایی که بنا دارد ده روز بماند.

- در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و جایی هم نرفته‌است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

مسئله ۲۸۹. وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.

مسأله ۲۹۰. فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می‌کند و مستقل نشده است، همان وطن پدر و مادر وطن او نیز می‌باشد، هرچند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آنکه در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی همیشگی اختیار کرد، آنجا وطن او می‌شود. بنابراین به‌عنوان مثال پدر و مادری که اهل اصفهان هستند، ولی مدتی برای کار به شیراز رفته‌اند و بنا دارند باز به اصفهان برگردند و فرزند در شیراز به دنیا آمده است. ولی چون اصفهان وطن پدر و مادر می‌باشد، تا زمانی که فرزند با آنها زندگی می‌کند، اصفهان برای او نیز حکم وطن را دارد و اگر به اصفهان برود، باید در آنجا نماز را تمام بخواند.

مسأله ۲۹۱. اگر وضع اقامت انسان، در غیر وطن اصلی، به‌گونه‌ای باشد که انتقال او از آنجا به محلی دیگر، مثل انتقال سایر اهالی آن محل باشد، آنجا وطن او محسوب می‌گردد.

مسأله ۲۹۲. اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود، مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می‌ماند.

مسأله ۲۹۳. اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی و

بدون قصد رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.

مسئله ۲۹۴. اگر به جایی برود که قبلاً وطن او بوده، ولی هم‌اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگرچه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

مسئله ۲۹۵. مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

قصد ده روز

مسئله ۲۹۶. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسئله ۲۹۷. اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف: قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

ب: بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود. **مسئله ۲۹۸.** انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم به جا آورد.

مسئله ۲۹۹. در دو مورد، به جا آوردن قضای نماز، واجب است:

الف: نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.
ب: بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.

مسئله ۳۰۰. کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.
مسئله ۳۰۱. قضای نمازهای روزانه مربوط به یک روز، لازم نیست به ترتیب خوانده شود بلی نماز ظهر هر روز باید قبل از نماز عصر آن روز خوانده شود و نیز مغرب و عشاء، ولی مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، ترتیب آن‌ها لازم نیست.

مسئله ۳۰۲. کسی که می‌داند نماز قضا دارد، ولی شماره آنها را نمی‌داند؛ مثلاً نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است.

مسئله ۳۰۳. اگر شماره آنها را می دانسته، ولی فراموش کرده است، بهتر است به قدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است.

مسئله ۳۰۴. نماز قضا را با جماعت می توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضای یقینی، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

مسئله ۳۰۵. اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی به جا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۳۰۶. در سفر نمی توان روزه قضا گرفت، ولی نماز قضا می توان به جا آورد.

مسئله ۳۰۷. اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده است به جا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.

مسئله ۳۰۸. نماز قضا را در هر وقتی می توان به جا آورد، یعنی قضای نماز صبح را می توان ظهر یا شب خواند.

نماز قضای پدر و مادر

مسئله ۳۰۹. تا انسان زنده است، اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا کند.

مسأله ۳۱۰. اگر پدر به جهت عذری نماز یا روزه‌اش را به‌جا نیاورده باشد، پس از مرگ او، بر پسر بزرگ‌تر واجب است آنها را قضا نماید، اما اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط پسر بزرگ‌تر، آن را قضا نماید. در مورد مادر نیز احتیاط واجب رعایت این حکم است.

نماز جماعت

وحدت امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی خاصی است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را به‌جا می‌آورند. کسی که در این نماز دسته‌جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او، در نماز از او پیروی می‌کند، «مأموم» نام دارد.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات زیادی، برای نماز جماعت، آجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل احکام، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مسأله ۳۱۱. شرکت در نماز جماعت برای هرکس مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.
مسأله ۳۱۲. مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسأله ۳۱۳. نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فرادای^۱ اوّل وقت بهتر است.

مسأله ۳۱۴. نماز جماعتی که مختصر خوانده می شود، از نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

مسأله ۳۱۵. سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسأله ۳۱۶. حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی به آن، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

مسأله ۳۱۷. هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:

۱. مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که کمی عقب تر بایستد.

۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد.

۱. نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت خوانده نشود، «نماز فرادا» نام دارد.

۳. فاصله امام و مأوم و همچنین بین صف‌ها، زیاد نباشد، و احتیاط آن است که فاصله بیش از یک گام نباشد.

۴. بین امام و مأوم و همچنین بین صف‌ها، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زن‌ها اشکال ندارد.

مسأله ۳۱۸. امام جماعت باید شیعه دوازده امامی، بالغ و عادل و حلال‌زاده باشد و نماز را به‌طور صحیح بخواند و اگر مأومین مرد هستند، امام جماعت باید مرد باشد.

پیوستن به نماز جماعت (اقتداکردن)

مسأله ۳۱۹. در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید، ولی اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند.

حالات مختلف برای پیوستن به نماز جماعت:

مسأله ۳۲۰. چگونگی پیوستن به نماز جماعت در هر رکعت به شرح ذیل می‌باشد:

رکعت اول

۱. در بین قرائت: مأوم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت به‌جا می‌آورد.

۲. در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت به‌جا می‌آورد.

رکعت دوّم

۱. در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را به‌جا می‌آورد و آن‌گاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به‌صورت نیم‌خیز، بنشیند^۱ و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هرچند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آن‌گاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم بر می‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برای خواندن رکعت سوّم برخیزد و در رکعت آخر نماز، که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.

۲. در رکوع: رکوع را با امام جماعت به‌جا می‌آورد و بقیه نماز را همان‌گونه که در بالا گفته شد، انجام می‌دهد.

رکعت سوّم

۱. در بین قرائت: زمانی که می‌داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند

۱. به این عمل «تجافی» گفته می‌شود.

اقتدا کند و باید حمد و سوره یا فقط حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع: چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به‌جا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان‌گونه که قبلاً بیان شد به‌جا می‌آورد.

رکعت چهارم

۱. در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آن‌گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، بنا بر احتیاط واجب، به‌طور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد و بقیه نماز را فرادا به‌جا آورد.

۲. در رکوع: رکوع و سجده‌ها را با امام به‌جا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأموم است) و بقیه نماز را همان‌گونه که در بالا گذشت انجام می‌دهد.

احکام نماز جماعت

مسأله ۳۲۱. اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هرکدام از نمازهای یومیّه را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و اگر مأموم پس از

آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می‌تواند، نماز عصر را به ظهر امام جماعت اقتدا کند.

مسئله ۳۲۲. مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هرچند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلاً امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را.

مسئله ۳۲۳. نماز جماعت، حداقل با دو نفر برپا می‌شود، یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه.

مسئله ۳۲۴. نمازهای مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران^۱ و نماز عید فطر و قربان.

مسئله ۳۲۵. مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.

مسئله ۳۲۶. مأموم، باید غیر از حمد و سوره، بقیّه نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او، و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز بخواند.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند با نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند و نماز جمعه کفایت از نماز ظهر نمی‌کند.

۱. به این نماز «استسقاء» گفته می‌شود.

در فضیلت این نماز، همین بس که سوره‌ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا صریحاً مؤمنان را به حضور در نماز جمعه دعوت فرموده است.

چگونگی نماز جمعه

مسئله ۳۲۷. نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز، ایراد می‌شود.

مسئله ۳۲۸. احتیاط آن است که امام جمعه حمد و سوره را بلند بخواند.

مسئله ۳۲۹. در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول پس از سوره حمد، سوره «جمعه» و در رکعت دوم پس از سوره حمد سوره «منافقون» خوانده شود.

مسئله ۳۳۰. در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

- مسئله ۳۳۱.** در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:
- تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.
 - باید به جماعت برگزار شود و افراد صحیح نیست.

- حداقل تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می‌باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار نفر مأموم.
- بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

وظیفه نمازگزاران جمعه

مسئله ۳۳۲. بنا بر احتیاط استحبابی مأمومین باید به خطبه‌ها گوش دهند.

مسئله ۳۳۳. احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند.
مسئله ۳۳۴. احتیاط مستحب است، شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.

مسئله ۳۳۵. اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هرچند در رکوع، برساند صحیح است و رکعت دوم را خودش می‌خواند.

نماز آیات

مسئله ۳۳۶. یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می‌شود:
زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشید گرفتگی)، و نیز رعد و برق، و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

چگونگی نماز آیات

مسأله ۳۳۷. نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد و قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود؛ ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم:

رکعت اول

پس از تکبیرة الاحرام سوره حمد را بخواند و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید و به رکوع رود.
سپس بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و به رکوع رود.
بار دیگر بایستد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» و به رکوع رود.
سر از رکوع بردارد و بگوید «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و به رکوع رود.
سر از رکوع بردارد و بگوید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و به رکوع رود.

و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوّم برخیزد.

رکعت دوّم

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اول به جا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.

احکام نماز آیات

مسأله ۳۳۸. اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

مسأله ۳۳۹. اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.

مسأله ۳۴۰. مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

مسأله ۳۴۱. هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسأله ۳۴۲. نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.

نمازهای مستحب^۱

مسأله ۳۴۳. نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها که اهمیت بیشتری دارند را می‌آوریم:

۱. نماز مستحب را «نافله» گویند.

نماز عید

مسأله ۳۴۴. در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.

وقت نماز عید

مسأله ۳۴۵. وقت نماز عید، از طلوع آفتاب است تا ظهر.
مسأله ۳۴۶. مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره^۱ را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.

چگونگی نماز عید

نماز عید دو رکعت است، با نُه قنوت و این گونه خوانده می شود:

- در رکعت اول نماز، پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.
- در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.
- در قنوت های نماز عید، هر دعا و ذکر بخوانند، کافی است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند:

۱. زکات فطره یکی از واجب های مالی است که روز عید فطر باید پرداخت شود. (به مسأله ۳۷۹ مراجعه کنید).

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُوْدِ
 وَالْجَبْرُوْتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ
 التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ
 الَّذِيْ جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ عِيْدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى
 اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكِرَامَةً وَمَزِيْدًا
 اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
 تُدْخِلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا
 وَاٰلَ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُخْرِجَنِيْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ
 اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ
 بِهِ عِبَادُكَ الصّٰلِحُوْنَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ
 مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُوْنَ.

نافله‌های شبانه‌روزی

نافله‌های شبانه‌روزی در غیر روز جمعه سی و چهار
 رکعت است که از جمله آنها یازده رکعت «نافله شب» و
 دو رکعت «نافله صبح» و چهار رکعت نافله مغرب و دو
 رکعت «نافله عشاء» و هشت رکعت نافله ظهر و هشت
 رکعت نافله عصر می‌باشد که ثواب بسیار دارد.^۱

۱. برای آشنایی بیشتر با نافله‌های شبانه‌روزی به رساله توضیح‌المسائل، مسأله
 ۷۷۲ تا ۷۸۳، مراجعه کنید.

نماز شب

مسأله ۳۴۷. نماز شب یازده رکعت است که بدین ترتیب خوانده می شود:

به نیت نافله شب.	دو رکعت
به نیت نافله شب.	دو رکعت
به نیت نافله شب.	دو رکعت
به نیت نافله شب.	دو رکعت
به نیت نافله شفع.	دو رکعت
به نیت نافله وتر.	یک رکعت

وقت نماز شب

مسأله ۳۴۸. وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسأله ۳۴۹. مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را در اول شب به جا آورد.

نماز غفيله

مسأله ۳۵۰. یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غفيله» است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود.

کیفیت نماز غفيله

مسأله ۳۵۱. نماز غفيله دو رکعت است، که بین نماز

مغرب و عشاء خوانده می شود و در رکعت اول، پس از حمد، باید این آیه خوانده شود:

«وَدَا التَّوْنُ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ
عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ
وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^۱

و در رکعت دوم، پس از حمد، این آیه خوانده می شود:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ
مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا
يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ
وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^۲

و در قنوت آن، این دعا خوانده می شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا
يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَقْضِيَ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى
طَلِبَتِي تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

۱. انبیاء، ۸۷.

۲. انعام، ۵۹.

روزه

یکی دیگر از کارهای واجب و برنامه‌های سالانه اسلام برای خودسازی انسان‌ها «روزه» است، و روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد بپرهیزد.

نیت روزه

مسئله ۳۵۲. روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند به‌جا آورده شود و این همان «نیت» روزه است.

مسئله ۳۵۳. انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند، و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.

مسئله ۳۵۴. لازم نیست نیت روزه را به زبان بگویند بلکه، همین‌قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.

مبطلات روزه

مسأله ۳۵۵. روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها پرهیزد و اگر یکی از آنها را عمداً انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود، به مجموعه این کارها «مبطلات روزه» گفته می‌شود، که از جمله آنهاست:

- خوردن و آشامیدن.
- رساندن غبار غلیظ به حلق.
- فروبردن تمام سر در آب.
- قی کردن.
- به جز آنچه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می‌کند که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۵۸۱ مراجعه کنید.

احکام مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

- مسأله ۳۵۶.** اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- مسأله ۳۵۷.** اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- مسأله ۳۵۸.** فروبردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هرچند زیاد باشد.

مسئله ۳۵۹. اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۳۶۰. انسان نمی‌تواند، به خاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن اشکال ندارد.

تزریق آمپول

مسئله ۳۶۱. تزریق آمپول و سرم روزه را باطل نمی‌کند.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسئله ۳۶۲. اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

فروبردن تمام سر در آب

مسئله ۳۶۳. اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود.

مسئله ۳۶۴. اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود، ولی همین که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

قی کردن

مسأله ۳۶۵. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هرچند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسأله ۳۶۶. اگر روزه‌دار نداند روزه است یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

قضا و کفاره روزه

روزه قضا

مسأله ۳۶۷. اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را به‌جا آورد.

کفاره روزه

مسأله ۳۶۸. کسی که بدون عذر روزه خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را به‌جا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد، و این همان کفاره روزه است:

– آزادکردن یک برده.

– دو ماه روزه‌گرفتن که سی‌ویک روز آن باید بی‌درپی باشد.

– سیرکردن شصت فقیر، یا دادن یک مدّ طعام^۱ به هریک از آنها.

۱. مدّ طعام تقریباً ده سیر (۷۵۰ گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

کسی که کفّاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه کار را انجام دهد، و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم و سوّم را انجام دهد، و اگر هیچ‌یک از اینها برایش مقدور نیست، باید هرچند مدّه می‌تواند طعام به فقیر صدقه بدهد و استغفار کند، و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.

احکام قضا و کفاره روزه

مسأله ۳۶۹. لازم نیست قضای روزه را فوراً به‌جا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.

مسأله ۳۷۰. انسان نباید در به‌جا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

مسأله ۳۷۱. اگر به‌سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را به‌جا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مدّه طعام به فقیر بدهد و همچنین اگر با عذر، قضای روزه را به‌جا نیاورد، بنا بر احتیاط واجب، علاوه بر قضای روزه باید یک مدّه طعام هم به فقیر بدهد.

مسأله ۳۷۲. اگر به‌سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می‌شود، ولی باید برای هر روز یک مدّه طعام به فقیر بدهد.

روزه مسافر

مسأله ۳۷۳. مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نمی‌تواند در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضای آن را به‌جا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسأله ۳۷۴. اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و صحیح است.

مسأله ۳۷۵. اگر روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخّص» برسد؛ یعنی به‌جا یی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و اهل آنجا او را نبینند، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، علاوه بر قضا، بنا بر احتیاط واجب، کفّاره هم دارد.

مسأله ۳۷۶. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

مسأله ۳۷۷. اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به‌جا یی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، نباید آن روز را روزه بگیرد.

مسأله ۳۷۸. اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش، یا به

احکام نوجوانان / ۱۳۲

جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد.

زکات فطره

مسأله ۳۷۹. پس هر مسلمان عاقل و بالغ که فقیر نباشد پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال خود را به‌عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

مقدار زکات فطره

مسأله ۳۸۰. برای خودش و کسانی که نان‌خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع، که تقریباً سه کیلو است.

جنس زکات فطره

مسأله ۳۸۱. جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، و نیز اگر پول یکی از اینها داده شود، کافی است.

خمس

یکی از تکالیف مالی بر مسلمانان، پرداختن «خمس» است، که در برخی از چیزها، باید یک‌پنجم آنها را برای مصارف مشخصی به مجتهد شرع جامع‌الشرايط پردازند.

مسأله ۳۸۲. در هفت چیز، خمس واجب است:

- آنچه از منفعت کسب زیاد بیاید.

- معدن.

- گنج.

- غنائم جنگی.

- جواهری که با فرورفتن در دریا به دست آید.

- مال حلال مخلوط به حرام.

- زمینی که کافر ذمی^۱ از مسلمانی بخرد.

مسأله ۳۸۳. پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از

۱. مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان که با حاکم اسلامی پیمان بسته‌اند تا مالیات معینی را پردازند و شرایط خاصی را که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده، پذیرفته‌اند و در عوض جان و مال آنها در امان است، کافر ذمی هستند.

واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفت‌گانه را داشته باشند، باید به آن عمل کنند. یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد، «خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید».

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقلّم داشته است، بنابراین هرکس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه به‌طور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذرانند - بدون زیاده‌روی در مصرف - اگر در پایان چیزی اضافه آمد، یک‌پنجم آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بردازد و چهارپنجم آن را برای خود پس‌انداز کند.

احکام خمس

مسأله ۳۸۴. تا خمس مال را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند، یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده نمی‌تواند چیزی بخرد.

مسأله ۳۸۵. آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف

سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسأله ۳۸۶. اگر کودک غیربالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، ولی او می‌تواند پیش از بلوغ خمس آن را بدهد و اگر خمس آن را نپردازد نمی‌تواند در آن مال تصرف کند.

مصرف خمس

مسأله ۳۸۷. خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَام است باید به مجتهد جامع‌الشرایط یا نماینده او پرداخت شود و نصف دیگر به سید فقیر، و یا سیدی که در سفر درمانده، بدهند.

زکات

یکی دیگر از تکالیف واجب مالی بر مسلمانان، پرداخت زکات است.

از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید، پس از «نماز» آمده و نشانه ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است.

در روایات متعددی که از معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است: «کسی که از پرداخت زکات خودداری کند، از دین خارج است».^۱

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد؛ یک قسم از آن مالیات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را، از نظر مالی دارند واجب است. مسائل این نوع از زکات، در پایان بحث روزه گذشت.

قسم دیگر، زکات اموال است، ولی چنین نیست که تمام اموال مردم مشمول این قانون باشد، تنها نه چیز است که زکات دارد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۳.

مسأله ۳۸۸. اموالی که پرداخت زکات آنها واجب می شود عبارت‌اند از:

گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره.
مسأله ۳۸۹. زکات در صورتی واجب می شود که مورد زکات به حد نصاب برسد که نصاب هریک و مقدار زکات آنها در جدول زیر آمده است:

مقدار زکات	نصاب	نوع مال	ردیف
یک دهم: در صورتی که با باران و آب رودخانه آبیاری شده باشد.	۸۸۵ کیلوگرم	گندم	۱
یک بیستم: در صورتی که با آب دستی و دلو و موتور پمپ آبیاری شده باشد.		جو	۲
سه چهارم: در صورتی که با هر دو آبیاری شده است.		خرما	۳
		کشمش	۴
یک گوسفند	۵ شتر	شتر	۵
هر ۵ شتر یک گوسفند	تا ۲۵ شتر		
یک شتر	۲۶ شتر		
یک گوساله یک ساله	۳۰ گاو	گاو	۶
یک گوسفند	۴۰ گوسفند	گوسفند	۷
یک چهارم	۱۵ مثقال معمولی	طلا	۸
یک چهارم	۱۰۵ مثقال معمولی	نقره	۹

یادآوری: شتر، گاو و گوسفند، نصاب‌های دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رساله توضیح‌المسائل، مسائل ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۲ مراجعه کنید.

احکام زکات

مسئله ۳۹۰. اگر حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، زکات آن واجب است. پس اگر در تمام سال یا مدتی از آن، از علف چیده‌شده یا کاشته‌شده بخورد، زکات ندارد.

مسئله ۳۹۱. زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سگه‌ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به‌عنوان زیور استفاده می‌کنند و سگه بهار آزادی زکات ندارد.

مسئله ۳۹۲. پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازد به نیت زکات و با قصد قربت باشد.

مصرف زکات

مسئله ۳۹۳. مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است:

- فقیر و مسکین.

- غیرمسلمانانی که اگر به آنها زکات داده شود، به

دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد.^۱

۱. برای آشنایی با سایر موارد زکات، می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۹۳۳ مراجعه نمایید.

حج

مسأله ۳۹۴. حج زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمال خاصی است که دستور داده‌اند در آنجا به‌جا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که دارای این شرایط باشد یک مرتبه واجب می‌شود:

۱- بالغ باشد.

۲- عاقل باشد.

۳- آزاد باشد.

۴- مستطیع باشد.

مسأله ۳۹۵. مستطیع بودن به چند چیز است:

۱- آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

۲- سلامت جسمی و توان رفتن به مکه و انجام دادن اعمال حج را داشته باشد.

۳- در راه مانعی از رفتن نباشد.

۴- به‌قدر به‌جا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

۵- مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است
مثل زن و بچه داشته باشد.

۶- بعد از برگشتن کسب یا زراعت یا راه دیگری برای
درآمد و معاش داشته باشد و مجبور نشود به زحمت
زندگی کند.

مسأله ۳۹۶. اگر انسان بترسد که در راه خودش یا آبرویش
از بین برود یا مالش را ببرند، حج بر او واجب نیست.

احکام معاملات

مسأله ۳۹۷. یادگرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می‌باشد، واجب است.

مسأله ۳۹۸. فروختن و اجاره‌دادن خانه یا وسیله‌ای دیگر برای استفاده حرام، حرام است.

مسأله ۳۹۹. خرید و فروش، نگه‌داری، نوشتن، خواندن روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌های گمراه‌کننده، و درس‌دادن این‌گونه کتاب‌ها، حرام است، مگر در صورتی که فروشنده بدانند خریدار صاحب صلاحیت، آن را برای هدفی صحیح، مثل پاسخ به اشکالات خواهان است.

مسأله ۴۰۰. فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلاً شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد. (این عمل را غشّ در معامله می‌گویند).

مسأله ۴۰۱. در معامله باید خصوصیات جنسی که خرید و فروش می‌کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیتی که

گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست.

مسأله ۴۰۲. خرید و فروش دو کالای همجنس - که با وزن یا پیمانه می‌فروشند - به زیادت‌تر «ربا» و حرام است؛ مثلاً یک تن گندم بدهد و یک تن و دو بیست کیلوگرم بگیرد.

مسأله ۴۰۳. مستحب است فروشنده در قیمت بین مشتری‌ها فرق نگذارد و در قیمت جنس سخت‌گیری نکند و درخواست به‌هم‌زدن معامله را بپذیرد.

مسأله ۴۰۴. قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.

به‌هم‌زدن معامله

مسأله ۴۰۵. در برخی موارد فروشنده یا خریدار می‌تواند معامله را به‌هم بزنند که از جمله آنهاست:

- خریدار یا فروشنده گول خورده باشد.

- در هنگام معامله قرارداد کرده‌اند که تا مدت معینی، هر دوی آنها بتوانند معامله را به‌هم بزنند؛ مثلاً هنگام خرید و فروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد.

- خریدار و فروشنده از محل معامله متفرق نشده باشند، مثلاً از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آنکه آن محل را ترک کند می‌تواند آن را پس دهد.

- کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد.
- فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده،
خصوصیاتی را بیان کرده و بعداً معلوم شود آن گونه نبوده
است؛ مثلاً بگوید این دفتر دویست برگ است، بعداً
معلوم شود کمتر است.

مسأله ۴۰۶. اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً
آن را به هم نزند، دیگر حقّ به هم زدن معامله را ندارد.

قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

۱. مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد.
۲. بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

احکام قرض

- مسأله ۴۰۷. اگر قرض مدت دار باشد، بنا بر احتیاط واجب، طلبکار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند.
- مسأله ۴۰۸. اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را درخواست کند.

مسأله ۴۰۹. اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیاندازد، گناهکار است.

مسأله ۴۱۰. اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدتی، مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است، مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یک صد و بیست هزار تومان بگیرد.

مسأله ۴۱۱. اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

امانت‌داری

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانت‌داری عمل کند.

احکام امانت‌داری

مسئله ۴۱۲. کسی که نمی‌تواند از امانت نگه‌داری کند، جایز نیست چیزی را به امانت قبول کند.

مسئله ۴۱۳. کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد، می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.

مسئله ۴۱۴. کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر امانت، پول است و در خانه نمی‌تواند نگه‌داری کند، به بانک بسپارد.

مسأله ۴۱۵. امانت‌دار باید طوری از امانت نگه‌داری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگه‌داری آن کوتاهی کرده است.

مسأله ۴۱۶. اگر امانت مردم از بین برود:
الف: اگر امانت‌دار در نگه‌داری آن کوتاهی کرده باشد؛ باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

ب: اگر در نگه‌داری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفّاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده، امانت‌دار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.

مسأله ۴۱۷. امانت‌دار نمی‌تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازه صاحب آن.

عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آنکه دوچرخه خود را به کسی بدهد تا به منزل برود و برگردد.

مسأله ۱۸۴. کسی که چیزی عاریه داده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بدهد.

مسأله ۱۹۴. اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگه‌داری از آن کوتاهی، و یا در استفاده از آن زیاده‌روی نکرده، ضامن نیست؛ ولی اگر در نگه‌داری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

مسأله ۲۰۴. اگر قبلاً شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.

اشیای پیدا شده

مسأله ۴۲۱. اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد،
وظیفه خاصی بر عهده‌اش نمی‌آید.

مسأله ۴۲۲. اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی
دارد به این شرح:

- اگر نشانه نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم
شود، بنا بر احتیاط لازم باید از طرف صاحبش صدقه داده شود.
- اگر نشانه دارد و قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره
سکه‌دار است و صاحب آن معلوم نباشد می‌تواند برای
خودش بر دارد، ولی هر وقت صاحبش پیدا شد، بنا بر
احتیاط واجب باید عوض آن را به او بدهد.

- اگر قیمت آن کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار نیست
و نشانه‌ای دارد که می‌تواند با آن صاحبش را پیدا کند،
اگر تا یک سال طوری اعلام کند که مردم بگویند «اعلام
کرده»، کافیست و چنانچه تا یکسال اعلام کرد و صاحبش
پیدا نشد، می‌تواند به قصد آنکه: «هرگاه صاحبش پیدا شد

به او بدهد» برای خودش بردارد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به فقیر غیر سیّد صدقه بدهد.

مسأله ۴۲۳. اگر می‌داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیداشدن صاحبش ناامید است، اعلام لازم نیست، ولی می‌تواند از طرف صاحبش صدقه بدهد.

عوض شدن کفش

مسأله ۴۲۴. اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می‌داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده، و بداند که عمداً برده است، و دسترسی به او ندارد، می‌تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیداشدن صاحبش ناامید شود، بنا بر احتیاط واجب باید، با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را، از طرف او به فقیر غیر سیّد صدقه بدهد.

مسأله ۴۲۵. اگر کسی که کفش او را برده، عمداً نبرده باشد یا احتمال می‌دهد، کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی ناامید شود، بنا بر احتیاط واجب با اجازه حاکم شرع از طرف صاحبش به فقیر غیر سیّد صدقه بدهد.

غَصَب

غصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.

غصب از گناهان بزرگ است و انجام‌دهنده آن در قیامت، به عذابی سخت، گرفتار می‌شود.

مسأله ۴۲۶. اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.

مسأله ۴۲۷. اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.

مسأله ۴۲۸. اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد، مثل اینکه دوچرخه را تعمیر کرده، اگر صاحب مال بگوید، آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد، و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.

خوردن و آشامیدن

خداوند بزرگ برای استفاده انسان‌ها، طبیعت زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا آنها را برای خوردن، آشامیدن، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای خود به کار گیرند، ولی برای حفظ جان انسان‌ها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطه با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها است آشنا می‌شوید:

مسئله ۴۲۹. خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است.

مسئله ۴۳۰. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسئله ۴۳۱. خوردن خاک حرام است.

مسئله ۴۳۲. خوردن کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام برای

شفا از بیماری اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۳. بر هر مسلمانی واجب است مسلمان

دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

مسئله ۴۳۴. این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است:

۱. دست‌ها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.
۲. در اوّل غذا «بِسْمِ اللَّهِ» و در پایان «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویید.
۳. با دست راست غذا بخورد.
۴. لقمه را کوچک بردارد.
۵. غذا را خوب بجود.
۶. میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
۷. اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هرکسی از غذای جلوی خودش بخورد.
۸. میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.

مسئله ۴۳۵. این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است:

۱. در حال سیری غذا خوردن.
۲. پرخوری (زیاد غذا خوردن).
۳. نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن.
۴. خوردن غذای داغ.
۵. فوت کردن به غذایی که می‌خورد.
۶. پاره کردن نان با کارد.

۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
۸. دورانداختن میوه، پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مسأله ۴۳۶. در نوشیدن آب این امور مستحب است:

۱. در روز، ایستاده آب بخورد.
 ۲. پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.
 ۳. به سه نفس آب بیاشامد.
 ۴. پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او را یاد کند و قاتلان ایشان را لعن کند.
- مسأله ۴۳۷. در نوشیدن آب این امور مکروه است:

۱. زیاد آشامیدن.
۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب.
۳. با دست چپ آب نوشیدن.
۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.

احکام سر بریدن حیوان

مسأله ۴۳۸. اگر چهار رگ بزرگ گردن حیوان حلال گوشت را از پایین برآمدگی زیر گلو با شرایطی که خواهد آمد، به طور کامل ببرند، گوشت آن پاک و حلال خواهد بود.

شرایط سر بریدن حیوان

مسأله ۴۳۹. سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:

- کسی که سر حیوان را می برد، مسلمان باشد.
- سر حیوان را با ابزار آهنی ببرند.
- هنگام بریدن، صورت، دست، پا و شکم حیوان رو به قبله باشد.

- هنگام سر بریدن حیوان، نام خدا را ببرد، و اگر تنها «بِسْمِ اللَّهِ» را بگوید کافی است.

- حیوان پس از سر بریدن حرکتی نکند که معلوم شود زنده بوده است و یا آنکه به اندازه معمول خون از بدنش بیرون آید.

شکار با اسلحه

مسأله ۴۴۰. اگر حيوان حلال گوشت وحشی را با شرايطی که بيان می شود، با اسلحه شکار کنند، پاک و حلال خواهد بود:

- اسلحه شکار، مثل کارد و شمشير برنده باشد، يا مثل نيزه و تير، تيز باشد که به سبب تيزبودن، بدن حيوان را پاره کند.

- کسی که حيوان را شکار می کند، مسلمان باشد.

- اسلحه را برای شکار به کار ببرد. پس اگر جای ديگر را نشانه بگيرد و به طور اتّفاقی به حيوان بخورد، حلال نیست.
- هنگام به کار بردن اسلحه (مثلاً هنگام رها کردن تير) نام خدا را ببرد.

- پس از زدن حيوان، باشتاب به سوی حيوان برود، و هنگامی به حيوان برسد، که مرده باشد و يا به مقدار سر بريدن آن وقت نباشد، بنابراین اگر هنوز نمرده، و وقت برای سر بريدن آن باشد ولی سر آن را نبرد، تا بميرد حرام است.

صيد ماهی

مسأله ۴۴۱. اگر ماهی پولک دار را زنده از آب بگيرند و بيرون آب بميرد، پاک و خوردن آن حلال است و نیز اگر

ماهی زنده در تور ماهی‌گیری بیفتد و در آب جان دهد
حلال است.

مسأله ۴۴۲: اگر ماهی در آب بمیرد اگرچه بدنش پاک
است ولی خوردن آن حرام است.

مسأله ۴۴۳: ماهی‌هایی که پولک ندارند، اگر چه زنده از
آب بگیرند و بیرون آب بمیرند، حرام است.

مسأله ۴۴۴: کسی که ماهی را صید می‌کند، لازم نیست
مسلمان باشد، و لازم نیست نام خدا را ببرد.

نگاه کردن

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هموعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان باز دارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد، اشکال ندارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم:

محرّم و نامحرّم

مسأله ۴۴۵. محرم کسی است که نگاه کردن به او اشکال ندارد و ازدواج با او حرام است.

مسأله ۴۴۶. این افراد بر پسرها و مردان محرم‌اند:

- مادر و مادربزرگ.

- دختر و دختر فرزند (نوه).

- خواهر.

- خواهرزاده (دختر خواهر).

- برادرزاده (دختر برادر).

- عمّه (عمه خودش و عمه پدر و مادرش).

- خاله (خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی باهم محرم‌اند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، از جمله آنهاست:

- همسر.

- مادر زن و مادر بزرگ او.

- زن پدر (نامادری).

- زن پسر (عروس).

زن برادر و خواهر زن نامحرم‌اند.

مسأله ۴۴۷. این افراد بر دخترها و زنان محرم‌اند:

- پدر و پدر بزرگ.

- پسر و پسر فرزند (نوه).

- برادر.

- خواهرزاده (پسر خواهر).

- برادرزاده (پسر برادر).

- عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).

- دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).

این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نسبی محرم

هستند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم می‌شوند، از جمله آنهاست:

- شوهر.

- پدر شوهر و پدر بزرگ شوهر.

- شوهر دختر (داماد).

شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند.

به جز افرادی که بیان شد، ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.

مسئله ۴۴۸. اگر زنی با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است، بچه‌ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگری محرم می‌شود که جهت آشنایی بیشتر می‌توانید به رساله توضیح المسائل، مسئله ۲۴۷۳ تا ۲۴۸۳ مراجعه کنید.

نگاه به دیگران

مسئله ۴۴۹. به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد، مانند: نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس، مانند: نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد، همین حکم را دارد.

مسئله ۴۵۰. پسرها و مردان می‌توانند به تمام بدن زنانی

که بر آنها محرم هستند، به جز عورت، بدون قصد لذت بردن نگاه کنند.

مسأله ۴۵۱. پسرها و مردان نمی توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند.

مسأله ۴۵۲. دخترها و بانوان می توانند بدون قصد لذت بردن، به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی پوشانند، نگاه کنند.

ازدواج

مسأله ۴۵۳. کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ مثلاً به نامحرم نگاه می‌کند، واجب است ازدواج کند.

مسأله ۴۵۴. در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه‌داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم‌شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.

مسأله ۴۵۵. اگر یک حرف عقد ازدواج، غلط خوانده شود، که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.

مسأله ۴۵۶. در ازدواج دختر باکره بنا بر احتیاط واجب اذن پدر شرط است.

احکام سلام کردن

مسأله ۴۵۷. سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب آن واجب است.

مسأله ۴۵۸. سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می باشد، مکروه است.

مسأله ۴۵۹. کسی که نماز می خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند، ولی اگر کسی به او سلام کرد باید همان طور که سلام کرده جواب دهد.

مسأله ۴۶۰. سلام را باید فوراً جواب دهد.

مسأله ۴۶۱. اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کند، بر هریک واجب است که جواب سلام دیگری را بدهد.

مسأله ۴۶۲. سلام کردن به کافر مکروه است، و اگر او به مسلمانی سلام کند، احتیاط واجب آن است که در جواب بگوید: «علیک» و یا فقط بگوید: «سلام».

آداب سلام کردن

مسأله ۴۶۳. مستحب است: سواره به پیاده، ایستاده به

۱۶۵ / احکام سلام کردن

نشسته، گروه اندک به گروه زیاد و کوچک به بزرگ سلام کند.

مسأله ۴۶۴. مستحب است، در غیر نماز، جواب سلام را بهتر بدهد، پس اگر کسی بگوید: «سلام علیکم»، مستحب است در جوابش بگوید: «سلام علیکم و رحمة الله».

مسأله ۴۶۵. سلام کردن مرد به زن، مکروه است، مخصوصاً به زن جوان.

احکام قرآن

مسأله ۴۶۶. قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

مسأله ۴۶۷. اگر جلد قرآن نجس شود و بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.

لمس کردن خطوط قرآن

مسأله ۴۶۸. رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن، برای کسی که وضو ندارد حرام است.

مسأله ۴۶۹. در لمس نوشته قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.

مسأله ۴۷۰. در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.

مسأله ۴۷۱. در نوشته قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر.

مسئله ۴۷۲. اگر نوشته قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، بلکه اگر کلمه‌ای از آن در کاغذی باشد، یا نصف کلمه‌ای از آن برگ قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، باز هم لمس آن بدون وضو حرام است.

مسئله ۴۷۳. موارد زیر، لمس نوشته قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد:

- لمس آن از پشت شیشه یا پلاستیک.
- لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها، گرچه مکروه است.

- لمس ترجمه قرآن به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد، حرام است، مانند کلمه «خدا».

مسئله ۴۷۴. کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد، لمس آن بدون وضو حرام است.

مسئله ۴۷۵. لمس خطوط قرآن بر جنب، حرام است.

مسئله ۴۷۶. انسان جنب نباید آیه‌های سجده‌دار قرآن را بخواند، (توضیح آن در مسئله ۱۲۰ گذشت).

قَسَمِ خوردن

مسأله ۴۷۷. اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند، مثلاً سوگند بخورد که دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

مسأله ۴۷۸. اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است:
- آزادکردن یک برده.

- سیرکردن ده فقیر.

- پوشاندن ده فقیر.

و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

مسأله ۴۷۹. کسی که قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.

مسائل گوناگون

مسأله ۴۸۰. اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، به طوری که صورت او سرخ شود، باید یک‌ونیم مثقال شرعی طلای سکه‌دار، بدهد و اگر کبود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود شش مثقال، و هر مثقال شرعی، هیجده نخود، است.

مسأله ۴۸۱. اگر جای دیگر بدن کسی - غیر از صورت - را به واسطه زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه در مسأله قبل گفته شد، بدهد.

مسأله ۴۸۲. کشتن حیوانی که اذیت می‌رساند و مال کسی نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد.

مسأله ۴۸۳. اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحبش نیاید آن را ببرد، چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید بنا بر احتیاط با اجازه حاکم شرع آن را به نیت صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد.

مسئله ۴۸۴. دیواری که مال دو نفر است؛ مانند دیوار مشترک بین دو منزل، هیچ‌کدام آنان حق ندارد بدون اجازه شریک دیگر، آن را بسازد، یا سر تیر آهن و مانند آن را بر دیوار بگذارد یا به دیوار میخ بکوبد، ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است؛ مانند تکیه دادن به دیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد، اما اگر شریک او بگوید به این کارها راضی نیستم، انجام اینها هم جایز نیست.

مسئله ۴۸۵. اگر ریشه درخت همسایه در ملک (زمین، باغ، خانه و...) انسان بیاید، صاحب ملک می‌تواند از صاحب درخت بخواهد که ریشه درخت را برگرداند، یا قطع کند و در صورتی که صاحب درخت این کار را نکرد، خودش می‌تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشه درخت به او برسد، می‌تواند از صاحب درخت بگیرد.

مسئله ۴۸۶. درخت میوه‌ای که شاخه آن از دیوار باغ بیرون آمده، اگر انسان نداند صاحبش راضی است یا نه، نمی‌تواند از میوه آن بچیند، و اگر میوه آن روی زمین هم ریخته باشد نمی‌تواند آن را بردارد، مگر آن باغ در کنار راه باشد، که عابرین - با شرایطی که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است - می‌توانند از آن استفاده کنند.

مسئله ۴۸۷. جایزه‌ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز پول می‌گذارند می‌دهد، در صورتی که شرط شرکت در قرعه‌کشی نکرده باشند و بانک برای تشویق مردم از خودش بدهد و ضرر آن به کسی نرسد، حلال است.

مسئله ۴۸۸. تراشیدن ریش حرام است و ماشین کردن آن نیز، اگر مثل تراشیدن باشد، حرام است و در این حکم، تمام مردم یکسانند و حکم خدا به سبب تمسخر مردم تغییر نمی‌کند، پس کسی هم که تازه بالغ شده، یا اگر ریش تراشد مردم او را مسخره می‌کنند، چنانچه ریش بتراشد، یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد، حرام است.

مسئله ۴۸۹. استمنا کردن حرام است، یعنی انسان با خود، کاری کند که منی از او بیرون آید.

مسئله ۴۹۰. آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می‌باشد، و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است، ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد، اشکال ندارد.

مسئله ۴۹۱. بازی با شطرنج و پاسور، چه همراه با برد و باخت باشد و چه نباشد، حرام است.

مسئله ۴۹۲. دست‌زدن و کف‌زدن در مجالس جشن و سخنرانی اگر برای تشویق امر مشروع (جایز) باشد و

همراه با حرام دیگری نباشد و به صورت لهو نیز نباشد، اشکال ندارد؛ و سزاوار آن است که تشویق، همراه با تکبیر و صلوات باشد.

مسأله ۴۹۳. رقصیدن زن در مجالس زنانه یا مرد در مجالس مردانه حرام است، ولی رقص زن برای شوهرش، اشکال ندارد.

مسأله ۴۹۴. سینه زدن در کوچه و خیابان، باتوجه به عبور زنان، در صورتی که سینه زن، پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد.

پرسش و پاسخ کوتاه

۱. مسح سر با موهای روغن زده چه حکمی دارد؟
اگر روغن به قدری زیاد نباشد که مانع از رسیدن آب وضو در حال مسح به موها یا پوست جلوی سر باشد، اشکال ندارد.
۲. اگر در بین غسل حدثی از انسان سر زند [مثل بول و...] آیا غسل را باطل می کند؟
غسل باطل نمی شود؛ ولی برای کارهایی مانند نماز که به طهارت نیاز دارد، پس از غسل، واجب است وضو بگیرد.
۳. دانشجویی که وطن و محل تحصیل او بیش از چهار فرسخ شرعی [تقریباً ۲۲ کیلومتر] فاصله دارد و تقریباً هر روز این مسیر را برای تحصیل می رود و برمی گردد، درباره نماز و روزه چه تکلیفی دارد؟
چنانچه حداقل سه ماه رفت و آمد دارد در غیر سفر اول، نماز تمام، و روزه صحیح است.

۴. کسی که عمداً زودتر از امام جماعت سر از رکوع یا سجده بلند کند، آیا نمازش باطل می‌شود؟
اگر مأموم عمداً کارهای نماز را مانند رکوع و سجود جلوتر از امام انجام دهد، نماز جماعتش صحیح است و تنها معصیت کرده است.

۵. اگر قبل از نماز، پدری با فرزندش کار داشته باشد و او را صدا بزند، وظیفه پسر چیست؟
اگر وقت نماز تنگ است، باید نماز را بخواند و بعد به سراغ کار پدر برود؛ اما اگر وقت وسعت دارد، می‌تواند کار پدر را مقدم بدارد؛ بلی اگر تأخیر در انجام فرمان پدر، موجب رنجش خاطر او می‌شود، در وسعت وقت، باید امر پدر را مقدم بدارد.

۶. در ماه رمضان اگر فکر می‌کند که می‌تواند تا قبل از اذان غسل کند، اما نتواند آیا روزه صحیح است؟
چنانچه موفق به غسل نشود و در تنگی وقت قبل از اذان صبح، تیمم بدل از غسل نماید روزه‌اش صحیح است.

۷. روزه‌داری که دندان‌هایش خون‌ریزی داشته باشد و مجبور باشد آنها را بشوید و در حین شستن، خون به گلویش برسد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟
شستن دهان و دندان به هنگام روزه مانعی ندارد، ولی پس

از شستن بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد تا مطمئن شود که آب در دهان نمانده است و اگر خون، بی‌اختیار و یا سهواً به گلو برسد، روزه را باطل نمی‌کند.

۸. اگر در شب ماه رمضان جُنب شویم و تا نزدیک اذان صبح غسل را به تأخیر اندازیم و سپس تیمم کنیم، آیا روزه صحیح است؟

تأخیر غسل، معصیت و گناه است، اما در مورد سؤال که عمداً غسل را تأخیر انداخته‌اید، لازم است با تیمم روزه بگیریید و قضای آن را هم بنا بر احتیاط واجب، به‌جا آورید.

۹. اگر در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کنیم و پس از چند روز یادمان بیاید، چه تکلیفی داریم؟ باید روزه آن چند روز را قضا کنید؛ ولی کفاره ندارد.

۱۰. هنگامی که روزه می‌گیرم، بدنم به‌شدت سست می‌شود و نمی‌توانم کارهایی مثل درس خواندن را انجام دهم، وظیفه من چیست؟

این‌گونه ضعف و سستی‌ها تقریباً لازمه روزه است و برای نوع افراد پیش می‌آید و نمی‌توان به خاطر آن، روزه را خورد. می‌توانید سحر از غذای مقوی استفاده کنید و ساعات خواب شب را کمی بیشتر نمایید تا در روز دچار مشکل نشوید.

۱۱. اگر روزه باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا کند، آیا روزه‌ام باطل می‌شود؟

خوردن و آشامیدن روزه را باطل می‌کند؛ هرچند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگر باشد.

۱۲. گوش کردن به موسیقی و نگاه به نامحرم روزه را باطل می‌کند؟

گناهان مذکور روزه را باطل نمی‌کند؛ لکن ثواب آن را کاهش می‌دهد و بسا مانع از قبولی باشد.

۱۳. آیا کسی که معتکف شده می‌تواند روزه‌های سه روز اعتکاف را به‌عنوان نذری یا قضا یا کفّاره حساب کند؟ بلی، می‌توان روزه قضا و کفّاره و نذر را در اعتکاف به‌جا آورد و لازم نیست روزه، برای خصوص اعتکاف باشد.

۱۴. آیا به سود پولی که در بانک سپرده‌گذاری شده در صورتی که خمس اصل پول پرداخت شده باشد خمس تعلق می‌گیرد؟

اگر سود به‌نحو مشروع باشد، هر مقدار از آن، که مصرف نگردد و تا سر سال خمسی باقی بماند پرداخت خمس آن واجب است.

۱۵. آیا جراحی برای ترمیم بکارت جایز است؟ جراحی برای ترمیم بکارت اگر موجب نظر و لمس غیر

شوهر باشد حرام است، و در صورت ترمیم چنانچه مرد در موقع ازدواج شرط بکارت کند یا عقد را مبنی بر بکارت دختر جاری کنند، و بکارت بر اثر نزدیکی برطرف شده باشد حق فسخ برای شوهر وجود دارد و جراحی، در آن تاثیری ندارد.

۱۶. استفاده از کرم‌های چرب‌کننده، مرطوب‌کننده، ضد آفتاب و... بر روی دست و صورت، اگر به‌منظور محافظت از پوست به کار برده شود ولو اینکه خوشبو باشد و یا باعث سفید و روشن شدن پوست شوند؛ چه حکمی دارد؟

اگر برای زن آرایش و زینت محسوب نشود، و بوی خوش آن موجب التذاذ و تحریک نامحرم نگردد اشکال ندارد.

۱۷. نگاه کردن به استاد مرد برای بهتر فهمیدن درس چگونه است؟

نگاه به صورت و گردن و دست‌های مرد نامحرم که معمولاً نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت و ریبه اشکال ندارد.

۱۸. پوشیدن جوراب نازک برای خانم‌ها چه حکمی دارد؟
چون پوشاندن روی پا در مقابل نامحرم واجب است؛ بنابراین، استفاده از جوراب نازک که پوست پا از زیر آن پیدا باشد در مقابل نامحرم جایز نیست.

۱۹. در دوران کودکی پولی از کسی برداشته‌ام و نمی‌توانم مستقیماً مطلب را به او بگویم، به نظر شما چگونه عمل کنم؟ آیا می‌توانم صدقه بدهم؟

باید به طریقی، پول را به صاحبش برسانید و لازم نیست بگویید بابت چه چیز است؛ مثلاً می‌توانید به او بگویید این پول را سابقاً از من طلب داشته‌ای؛ و یا به حساب بانکی او واریز کنید؛ و یا به وسیله شخص دیگری پول را به دست او برسانید؛ و در هر حال صدقه‌دادن کفایت نمی‌کند.

۲۰. برای سپرده ثابت بانک‌ها سود روزشمار می‌دهند، آیا این ربا نیست؟

اگر سپرده‌گذار، بانک را وکیل کند که با پول او معامله مشروع انجام دهد و درصدی از سود آن را به سپرده‌گذار بدهد و بقیه را به‌عنوان حق وکالت بردارد - همان‌گونه که در قانون بانکداری بدون ربا آمده است - اشکال ندارد؛ اما اگر به شرط گرفتن زیاده، قرض به بانک بدهد، ربا و حرام است.

۲۱. با پسر نامحرمی دوست شدم و هدایایی برایم خریده است، اکنون که متوجه حرمت دوستی با نامحرم شده‌ام و رابطه خود را با او قطع کرده‌ام، آیا باید هدایای موجود را به او برگردانم؟

اگر هدایا موجود است و مطالبه می‌کند، باید به او باز

گردانید، در غیر این صورت برگرداندن لازم نیست؛ لکن اگر آن هدایا را با دادن به دیگران از محیط زندگی خود دور کنید تا خاطرات معصیت و گناه، کمتر در نظر شما مجسم شود، اولویّت و رجحان دارد.

۲۲. دادن رشوه برای حلّ مشکل اداری چه صورت دارد؟ و با اضطرار چگونه است؟

پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند منجر به فساد ادارات خواهد شد، و عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود و دریافت‌کننده حق تصرف در آن مال را ندارد و باید به صاحبش مسترد نماید؛ بلی چنانچه احقاق حق، متوقّف به پرداخت وجه باشد، برای دهنده اشکال ندارد.

۲۳. چه موقع قطع رحم جایز است؟

صله رحم حتّی با خویشاوندان فاسق واجب است و لازم است در ارشاد آنان تلاش شود. بلی چنانچه سختی و مشقّتی در بین باشد، صله رحم وجوب ندارد؛ ولی باید توجّه داشت که لازم نیست این عمل با رفتن به منزل ارحام و مهمانی‌کردن و مهمان‌شدن و... انجام گیرد. همین اندازه که قطع رحم نشود کافی است و این کار با

پیغام فرستادن یا تماس تلفنی یا نوشتن نامه یا سلام کردن هم محقق می‌شود.

۲۴. شکستن قفل CD و نسخه برداری و تکثیر آن بدون

اجازه از صاحب اصلی اش چه حکمی دارد؟

اگر در موقع فروش، شرط نشکستن قفل و عدم کپی شده و یا مبنیاً بر آن فروخته شده باشد، شکستن قفل و کپی کردن خلاف شرط است و جایز نیست.

۲۵. استخاره چیست و عمل به آن واجب است یا خیر؟

استخاره طلب خیر از خداوند متعال است آن در همه حال خوب است و لکن آنچه در عرف اصطلاحاً به آن استخاره می‌گویند مورد آن جایی است که در انجام کاری، شخص، تحقیق خود را انجام داده ولی به نتیجه نرسیده و مردّد باقی مانده است، که می‌تواند استخاره کند. عمل به استخاره واجب نیست لکن اگر استخاره بد آمد، بهتر است با آن مخالفت نشود.

۲۶. تقلّب چه حکمی دارد؟

تقلّب نوعی خیانت است و جایز نیست؛ و خیانت در مسائل علمی، از سایر موارد، زشت‌تر است و در شأن مسلمان نیست.

۲۷. در مواردی که از شخص ناراحتی داشته باشیم

می‌توانیم آرزوی شکست او را بکنیم؟

۱۸۱ پرسش و پاسخ کوتاه

مسلمان باید همواره خیرخواه دیگران باشد و آرزوی شکست برای دیگران معمولاً از بخل و حسد سرچشمه می‌گیرد که هر دو از رذائل اخلاقی است و باید با آن مبارزه کرد.

بهتر است هر وقت اشتباهی از دیگری ملاحظه کردید که موجب ناراحتی شما می‌شود، برای هدایتش دعا کنید تا ضمن آنکه از دعای ملائکه رحمت بهره‌مند می‌شوید، ثواب خیرخواهی برای برادر مؤمن نیز شامل حال شما گردد.

۲۸. آیا فکر خودکشی حرام است؟

فکر گناه به تنهایی گناه محسوب نمی‌شود؛ لکن فکر گناه، موجب کدورت قلب و سلب توفیق از شخص می‌شود و ممکن است شخص را وادار به بعضی مقدمات حرام نماید. برای پرهیز از وسوسه‌های شیطانی، لازم است انسان فکر گناه را نیز از خود دور کند؛ قابل توجه آنکه، خودکشی از گناهان کبیره است و شخص را به عذاب الهی مبتلا می‌نماید و کسی که بر خدا توکل کند، مشکلات نمی‌تواند او را از پای درآورده و به خودکشی وادار سازد.

۲۹. عکس‌ها و شمایل‌ی که از ائمه علیهم‌السلام کشیده می‌شود،

صحت دارد؟

هیچ دلیلی بر تشابه این عکس‌ها با آن ذوات مقدس وجود ندارد و نمی‌توان به ائمه علیهم‌السلام نسبت داد.

نمایه واژه‌ها

احوط: مطابق با احتیاط.

استطاعت: توانایی انجام فریضه حج از نظر بدن، مال و راه.
تجافی: نیم‌خیز نشستن، نیم‌خیز نشستن مأمومی که به رکعت اول نماز جماعت نرسیده، در حال تشهد خواندن امام.
تخلّی: خالی کردن، به بیت‌الخلاء رفتن، بول و غایط کردن.
تمکّن: توانایی مالی.

حَرَج: مشقّت، سختی.

خون جهنده‌دار: حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن با فشار بیرون می‌آید.

ذبح شرعی: کشتن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی (سگ، خوک و بعضی از حیوانات دیگر قابل ذبح شرعی نیستند).

ذمی: کافران اهل کتاب - مانند یهود و نصاری - که در بلاد مسلمین زندگی می‌کنند و در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلام از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردارند.

سال خمسی: یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال همان تاریخ را مبدأ رسیدگی مجدد قرار دهد.

شاخص: چوب یا چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می‌کنند.

ضامن: عهده‌دار، بر عهده گیرنده.

ضرورت: ناچاری، اضطرار، حتمیت.

طهارت: پاکی، حالتی معنوی که در نتیجه وضو، غسل یا تیمم در انسان حاصل می‌شود.

عاجز: ناتوان، درمانده.

عادت ماهیانه: حیض، قاعدگی.

عمداً: از روی قصد، کاری را که با علم و آگاهی انجام دهد.

عورت: آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند. (کنایه از عضو جنسی زن و مرد).

عهد: پیمان، تعهد انسان در برابر خداوند با صیغه مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند.

غسل: شستشو، شستشوی بدن با کیفیت مخصوص.

غش: خیانت، مخلوط کردن پنهانی جنس کم‌بها با گران‌بها به منظور فریب مردم.

فجر: سپیده صبح.

فرادی: نمازی که انسان به‌طور انفرادی و نه به جماعت گزارد.
فقیر: محتاج؛ کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و چیزی هم ندارد که به‌طور روزانه در طی سال بتواند هزینه زندگیش را تأمین کند.

محتلم: کسی که در حال خواب از او منی خارج شود.
مَحْرَم: بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنها حرمت ابدی دارد.

مخرج بول و غائط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.
نافله: نماز مستحبی.
نوافل یومیه: نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه‌روز سی و چهار رکعت و در روز جمعه سی و هشت رکعت است.
ودیعه: امانت.

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف

در یک نگاه

ردیف	نام کتاب	زبان	ترجمه
قرآن و تفسیر			
۱	تفسیر آیه فطرت	فارسی	—
۲	القرآن مصون عن التحریف	عربی	—
۳	تفسیر آیه التطهیر	عربی	—
۴	تفسیر آیه الانذار	عربی	—
۵	پیام های قرآنی	فارسی	—
حدیث			
۶	منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر <small>علیه السلام</small> در ۳ جلد	عربی	اردو / انگلیسی / فارسی
۷	غیبة المنتظر	عربی	—
۸	قبس من مناقب امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> (مئة و عشر حدیث من کتب عامه)	عربی	—
۹	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در حدیث	فارسی	—
۱۰	احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها	عربی	—
۱۱	پرتوی از فضائل امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>	فارسی	—
۱۲	احادیث الفضائل	عربی	—

فقه			
۱۳	توضیح المسائل	فارسی	—
۱۴	منتخب الاحکام	فارسی	—
۱۵	احکام نوجوانان	فارسی	انگلیسی
۱۶	جامع الاحکام در ۲ جلد	فارسی	—
۱۷	استفتائات قضایی	فارسی	—
۱۸	آیین قضاوت در اسلام (استفتائات قضایی)	فارسی	-
۱۹	استفتائات پزشکی	فارسی	—
۲۰	مناسک حج	فارسی	عربی
۲۱	مناسک عمره مفرده	فارسی	عربی
۲۲	هزار سؤال پیرامون حج	فارسی	—
۲۳	پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد	فارسی	آذری
۲۴	پاسخ کوتاه به ۵۷۰ پرسش از احکام	فارسی	-
۲۵	احکام خمس	فارسی	—
۲۶	اعتبار قصد قربت در وقف	فارسی	—
۲۷	رساله در احکام ثانویه	فارسی	—
۲۸	فقه الحج در ۴ جلد	عربی	—
۲۹	هدایة العباد در ۲ جلد	عربی	—
۳۰	هدایة السائل	عربی	—
۳۱	حواشی علی العروة الوثقی	عربی	—
۳۲	القول الفاخر فی صلاة المسافر	عربی	—

—	عربى	فقه الخمس	٣٣
—	عربى	أوقات الصلوة	٣٤
—	عربى	التعزير (احكامه و ملحقاته)	٣٥
فارسى	عربى	ضرورة وجود الحكومة	٣٦
—	عربى	رسالة فى معاملات المستحدثة	٣٧
—	عربى	التداعى فى مال من دون بينة و لا يد	٣٨
—	عربى	رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته	٣٩
—	عربى	حكم نكول المدعى عليه عن اليمين	٤٠
—	عربى	ارث الزوجة	٤١
—	عربى	مع الشيخ جادالحق فى ارث العصبه	٤٢
—	عربى	حول ديات ظريف ابن ناصح	٤٣
—	عربى	بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)	٤٤
—	عربى	الرسائل الخمس	٤٥
—	عربى	الشعائر الحسينية	٤٦
آذرى	—	آنچه هر مسلمان بايد بداند	٤٧
—	عربى	الرسائل الفقيهيه من فقه الاماميه	٤٨
—	عربى	الاتقان فى احكام الخلل و النقصان	٤٩
اصول فقه			
—	عربى	بيان الاصول در ٣ جلد	٥٠
—	عربى	رسالة فى الشهرة	٥١
—	عربى	رسالة فى حكم الاقل و الاكثر	٥٢

		فی الشبهة الحکمیة	
—	عربی	رسالة فی الشروط	۵۳
عقاید و کلام			
—	فارسی	عرض دین	۵۴
—	فارسی	به سوی آفریدگار	۵۵
—	فارسی	الهیات در نهج البلاغه	۵۶
—	فارسی	معارف دین در ۳ جلد	۵۷
—	فارسی	پیرامون روز تاریخی غدیر	۵۸
—	فارسی	ندای اسلام از اروپا	۵۹
—	فارسی	صبح صادق	۶۰
—	فارسی	نگرشی بر فلسفه و عرفان	۶۱
—	فارسی	نیایش در عرفات	۶۲
—	فارسی	سفرنامه حج	۶۳
—	فارسی	شہید آگاه	۶۴
—	فارسی	امامت و مهدویت	۶۵
—	فارسی	نوید امن و امان/۱	۶۶
عربی	فارسی	فروغ ولایت در دعای ندبه/۲	۶۷
—	فارسی	ولایت تکوینی و ولایت تشریحی/۳	۶۸
—	فارسی	معرفت حجّت خدا/۴	۶۹
—	فارسی	عقیده نجات بخش/۵	۷۰
—	فارسی	نظام امامت و رهبری/۶	۷۱
عربی	فارسی	اصالت مهدویت/۷	۷۲

—	فارسی	پیرامون معرفت امام/ ۸	۷۳
آذری	فارسی	پاسخ به ده پرسش/ ۹	۷۴
—	فارسی	انتظار، عامل مقاومت و حرکت/ ۱۰	۷۵
—	فارسی	وابستگی جهان به امام زمان/ ۱۱	۷۶
—	فارسی	تجلی توحید در نظام امامت/ ۱۲	۷۷
—	فارسی	باورداشت مهدویت/ ۱۳	۷۸
انگلیسی	فارسی	به سوی دولت کریمه/ ۱۴	۷۹
عربی	فارسی	گفتمان مهدویت/ ۱۵	۸۰
—	فارسی	پیام‌های مهدوی/ ۱۶	۸۱
انگلیسی	فارسی	توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه	۸۲
—	فارسی	گفتمان عاشورایی	۸۳
—	فارسی	مقالات کلامی	۸۴
—	فارسی	صراط مستقیم	۸۵
—	عربی	الی هدی کتاب‌الله	۸۶
—	عربی	ایران تسمع فتجیب	۸۷
—	عربی	رسالة حول عصمة الانبياء و الائمة	۸۸
—	عربی	تعليقات على رسالة الجبر و القدر	۸۹
—	عربی	لمحات في الكتاب و الحديث و المذهب	۹۰
—	عربی	صوت الحقّ و دعوة الصدق	۹۱

—	عربى	رد اكدوبة خطبة الامام على <small>عليه السلام</small> ، على الزهراء <small>عليها السلام</small>	٩٢
اردو/ فرانسه	عربى	مع الخطيب فى خطوطه العريضة	٩٣
—	عربى	رسالة فى البداء	٩٤
—	عربى	جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثنى عشر <small>عليهم السلام</small>	٩٥
—	عربى	حديث افتراق المسلمين على ثلاث و سبعين فرقة	٩٦
—	عربى	من لهذا العالم؟	٩٧
—	عربى	بين العلمين، الشيخ الصدوق و الشيخ المفيد	٩٨
—	فارسى	داورى ميان شيخ صدوق و شيخ مفيد	٩٩
—	عربى	مقدمات مفصلة على «مقتضب الاثر» و «مكيال المكارم» و «منتقى الجمان»	١٠٠
—	عربى	امان الامة من الضلال و الاختلاف	١٠١
—	عربى	البكاء على الامام الحسين <small>عليه السلام</small>	١٠٢
—	عربى	التقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة	١٠٣
—	فارسى	پيام غدیر	١٠٤
تربيتى			
—	فارسى	عالى ترين مكتب تربيت و اخلاق يا ماه	١٠٥

		مبارک رمضان	
—	فارسی	بهار بندگی	۱۰۶
—	فارسی	راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)	۱۰۷
—	فارسی	با جوانان	۱۰۸
تاریخ			
—	فارسی	سیرحوزه‌های علمی شیعه	۱۰۹
—	فارسی	رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)	۱۱۰
سیره			
—	فارسی	پرتوی از عظمت امام حسین <small>ع</small>	۱۱۱
—	فارسی	آینه جمال	۱۱۲
—	فارسی	از نگاه آفتاب	۱۱۳
—	فارسی	اشک و عبرت	۱۱۴
تراجم			
—	فارسی	زندگانی آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی	۱۱۵
—	فارسی	زندگانی جابرین حیان	۱۱۶
—	فارسی	زندگانی بوداسف	۱۱۷
—	فارسی	فخر دوران	۱۱۸
شعر			

—	فارسی	دیوان اشعار	۱۱۹
—	فارسی	بزم حضور	۱۲۰
—	فارسی	آفتاب مشرقین	۱۲۱
—	فارسی	صحیفة المؤمن	۱۲۲
—	فارسی	سبط المصطفی	۱۲۳
—	فارسی	در آرزوی وصال	۱۲۴
مقاله‌ها و خطابه‌ها			
—	فارسی	حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)	۱۲۵
—	فارسی	حدیث خوبان	۱۲۶
—	فارسی	دیدارها و رهنمودها	۱۲۷
—	فارسی	شب پرگان و آفتاب	۱۲۸
—	فارسی	شب عاشورا	۱۲۹
—	فارسی	صبح عاشورا	۱۳۰
—	فارسی	با عاشوراییان	۱۳۱
—	فارسی	رسالت عاشورایی	۱۳۲